

سبکهای تفکر و تردید حرفه ای در حسابرسی

(آزمون نظریه خود حکومتی ذهن)

مجتبی حیدر^۱ هاشم نیکومرام^۲*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۲

چکیده

سبک تفکر فرایند پردازش اطلاعات، تردید حرفه ای، قضاوت و تصمیم گیری را تحت تاثیر قرار می دهد. از این رو هدف این پژوهش مطالعه تاثیر سبکهای تفکر بر تردید حرفه ای حسابرسان می باشد. سبک های تفکر شامل سبکهای قانون گذار، اجرایی، قضاوت گر، کلی نگر، جزئی نگر، درون نگر، برون نگر، آزاد اندیش و محافظه کار است. نمونه آماری پژوهش شامل ۴۵۵ نفر از حسابرسان شاغل در موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی در سال ۱۳۹۶ که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. روش پژوهش حاضر توصیفی- پیمایشی بوده و ابزار مورد استفاده در پژوهش پرسشنامه استاندارد می باشد. به منظور تجزیه تحلیل آماری داده ها و آزمون فرضیه ها از مدل معادلات ساختاری به کمک نرم افزار لیزرل، استفاده شده است. نتایج تجزیه و تحلیل و یافته ها بیانگر این است که سبک تفکر قانونگذار بر تردید حرفه ای تاثیر معنی دار و منفی و همچنین سبکهای تفکر اجرایی، قضاوتگر، درون نگر، برون نگر و آزاد اندیش با تردید حرفه ای رابطه معنی دار و مثبت دارد. همچنین ۳ سبک تفکر کلی نگر، جزئی نگر و محافظه کار با تردید حرفه ای رابطه معنی داری ندارند و بر آن تاثیر گذار نیستند.

کلیدواژه ها: حرفه ای، سبک تفکر، حسابرسی، بخش خصوصی، بخش دولتی

^۱ دانشجوی دوره دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

m.heidar024@gmail.com

^۲ استاد گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، (نویسنده مسئول)

nikomaram@srbiau.ac.ir

۱-مقدمه

ویژگی اساسی بشر برخورداری از قدرت تفکر است. انسان ها به کمک فکر خود توانسته اند بر محیط پیچیده و متغیر خود، مسلط و به حیات خود ادامه دهند. در هر حرفه ای، افراد برای انجام امور حرفه ای از سبک تفکر خود استفاده می نمایند. در این میان سبکهای تفکر نقش تاثیرگذاری بر تردید گرایی افراد دارد. مطالعات در حوزه روانشناسی نشان داده است سبکهای تفکر در افراد متفاوت است (ونگوپال همکاران، ۲۰۰۷). سبک تفکر افراد عاملی مهم در پردازش اطلاعات است. در این میان تردید حرفه ای نیز عامل تعدیل کننده رابطه میان سبک تفکر و پردازش اطلاعات محسوب می شود. نتایج این مطالعات بیانگر آن است که استفاده مناسب از تردید حرفه ای به کیفیت بالا در فرآیند تصمیم گیری و قضاوت و اظهارنظر صحیح منجر می شود (آیسته و همکاران ۲۰۱۳). بنابراین سبک تفکر به خودی خود یک توانایی نیست بلکه به چگونگی استفاده از توانایی ها اشاره دارد (استرنبرگ، ۲۰۰۹). هم چنین نتایج تحقیقات رفتاری بیانگر آن است که سبکهای تفکر به رویکرد خاص و تفاوت‌های فردی افراد و چگونگی پاسخهای فردی به یک شرایط خاص تاثیر داشته و رویکرد خاص افراد در پردازش و ارزیابی اطلاعات و حل مسائل و تصمیم گیری و قضاوت و اظهارنظر متأثر از سبکهای تفکر میباشد، آرمسترانگ و کولز (۲۰۰۹). پردازش اطلاعات در حسابرسی امری ضروری است. حسابرسان باید بر اساس پردازش اطلاعات، قضاوت و تصمیم گیری کنند. هرچه سطح ارزیابی و پردازش اطلاعات بیشتر و با کیفیت تر باشد، تصمیمات و قضاوت حسابرس نیز کیفیت بیشتری خواهند داشت. در این راستا، تحقیقات رفتاری در حسابرسی بر این نکته تاکید دارند که تردید گرایی به عنوان پایه قضاوت در حسابرسی است و متأثر از خصوصیات فردی می باشد و گرایش های فردی را دخیل در استفاده از درجات متفاوت تردید حرفه ای در قضاوت و تصمیم گیری مورد نظر قرار می دهد و با شناسایی ۶ جنبه از تردید حرفه ای: ذهن پرسشگر، وقفه در قضاوت، جستجوی دانش، درک میان فردی، اعتماد بنفس و خودرایی بودن، به داشتن ارتباط مثبت بین تفاوت‌های فردی و تردید حرفه ای، قضاوت و تصمیم گیری و عملکرد حسابرس اشاره دارد (هارت و همکاران، ۲۰۰۸). سبکهای تفکر عاملی مهم و تاثیر گذار در بکارگیری درجه مناسب تردید حرفه ای (به عنوان زیر بنای قضاوت حرفه ای در حسابرسی)، قضاوت، تصمیم گیری و اظهارنظر حسابرس بوده و نشان از تاثیر اهمیت تفاوت‌های فردی و سبکهای تفکر متفاوت حسابرسان به کیفیت خروجی حسابرسی می باشد.

سبک تفکر می تواند بر تردید حرفه ای، قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان تاثیرگذار باشد (آیسته و همکاران ۲۰۱۳). بنابراین شناخت و به کارگیری سبک های تفکر و تاثیر آن بر تردید حرفه ای در حرفه حسابرسی، امری ضروری است. زیرا عدم توجه به آن منجر به نادیده گرفتن توانایی های حسابرسان در قضاوت و تصمیم گیری می شود. سؤال تحقیق حاضر آن است که

آیا تفاوت معنی داری میان سبک های تفکر حسابرسان و تردید حرفه ای آن ها وجود دارد یا خیر؟ هدف مطالعه حاضر شناخت اثر سبکهای تفکر بر تردید حرفه ای حسابرسان است و هم چنین بسط و گسترش مبانی نظری تحقیقات رفتاری در حرفه حسابرسی است. در سال های اخیر با گسترش رشته حسابداری در دانشگاه ها و هم چنین توسعه بازار حسابرسی، نقش فعال حرفه حسابرسی در محیط پویای اقتصادی غیر قابل انکار است.

آموزش و یادگیری مفاهیم حسابداری مبتنی بر استدلال و منطق است. سیستم آموزش عالی کشور مبتنی بر حفظ و تقلید بوده و فاقد هر گونه تفکر است. رشته حسابداری نیز فارغ از این مشکل نیست. با تشکیل جامعه حسابداران رسمی و گسترش موسسات حسابرسی، جمع کثیری از فارغ التحصیلان رشته حسابداری تربیت یافته این سیستم، در این موسسات اشتغال یافتند. فارغ التحصیلانی که عموماً بر اساس حفظ و تقلید، یاد می گیرند و آن را سرلوحه کار خود در حرفه حسابرسی قرار می دهند. این در حالی است که قضاوت و تصمیم گیری در حسابرسی و تردید حرفه ای در قضاوت ها، ارتباط تنگاتنگی با سطح تفکر حسابرسان دارد. این موضوع با روحیه حفظ و تقلید حسابرسان جوان، ناسازگار است. این مشکل و هم چنین فقدان پژوهش کافی در این زمینه و اهمیت تحقیقات رفتاری در حسابرسی، باعث شد تا نویسندگان مقاله حاضر را به نگارش در آورند. انتظار می رود نتایج این پژوهش بتواند دستاورد و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد: اول اینکه نتایج این پژوهش می تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش های گذشته در ارتباط با نقش سبکهای تفکر در تحقیقات رفتاری حسابرسی شود. دوم این که شواهد پژوهش نشان خواهد داد که آیا سبک تفکر عامل تاثیر گذاری در تردید حرفه ای حسابرسان خواهد بود یا خیر؟ این موضوع به عنوان یک دستاورد علمی می تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار نهادهای قانونگذار در حرفه حسابرسی قرار دهد. سوم این که این مقاله می تواند درک بهتری از متغیر سبک تفکر و اثر آن بر تردید حرفه ای و قضاوت در اختیار خوانندگان قرار دهد. چهارم این که نتایج این پژوهش می تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های جدید در حوزه حسابرسی و حسابداری رفتاری، پیشنهاد نماید. در ادامه مبانی نظری، متغیرها و آزمون فرضیه های پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

■ سبکهای تفکر (نظریه خود حکومتی ذهن)، تردید حرفه ای

از زمان سقراط و ارسطو تا زمان حال درباره تفکر و ماهیت و مراحل آن بحث های زیادی به عمل آمده است. تفکر فرآیندی است که از طریق آن یک بازنمایی ذهنی جدید به وسیله تبدیل اطلاعات و تعامل بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسئله ایجاد

می‌گردد (رضوی، ۱۳۸۴). آرمسترانگ و کولز (۲۰۰۹)، طی تحقیقی نشان دادند که سبکهای تفکر به رویکرد خاص و تفاوت‌های فردی افراد و چگونگی پاسخهای فردی به یک شرایط خاص تاثیر داشته و رویکرد خاص افراد در پردازش و ارزیابی اطلاعات و حل مسائل و تصمیم‌گیری و قضاوت و اظهار نظر متأثر از سبکهای تفکر میباشد.

سبکهای تفکر بخشی از روشهای عقلانی است و به عنوان ایده آل‌ها در استفاده از تواناییهای فردی تعریف می‌شود (ژانگ و استرنبرگ، ۲۰۰۶). استرنبرگ (۱۹۹۷)، آن را یک "خود حکومتی ذهنی"^۱ می‌نامد زیرا روشهای مختلفی برای اداره یک جامعه وجود دارد و روشهای مختلفی وجود دارد که فرد بواسطه آنها مایل است تا از تواناییهای خود استفاده کند. اندیشه‌ی اساسی نظریه او این است که انواع حکومت‌های موجود در جهان صرفاً به صورت تصادفی و اتفاقی به وجود نیامده‌اند، بلکه آنها انعکاس‌های بیرونی از آنچه در ذهن افراد روی می‌دهند، هستند. یعنی آنها منعکس‌کننده روش‌های متفاوتی هستند که افراد با آنها ذهن خود را کنترل و سازماندهی می‌کنند. بنابراین، حکومت‌ها، آیین‌هایی از ذهن افراد هستند. استرنبرگ اصطلاح حکومت را به صورت استعاره به کار می‌برد تا نشان دهد که بین سازماندهی فردی و سازماندهی اجتماعی توازنی برقرار است. نظریه استرنبرگ بر این فرض استوار است که افراد مانند شهرها، ایالت‌ها یا کشورها نیاز به اداره و کنترل خودشان دارند. حکومت‌ها نیز ابعاد متفاوتی نظیر کارکرد، شکل، سطوح، دامنه (گستره) و گرایش دارند (نریمانی و همکاران، ۱۳۸۶). به طور کلی الگوی سبک‌های تفکر استرنبرگ شامل ۳ کارکرد، ۴ شکل، ۲ سطح، ۲ گستره یا محدوده^۲ و ۲ گرایش^۳ است. سه کارکرد مهم حکومت داری عبارت‌اند از: قانون‌گذار یا آفریننده، اجرایی یا تحقق‌بخش، و قضاوت‌گر یا ارزشیابانه. چهار شکل حکومت عبارتند از، پادشاهی یا تک‌سالاری، سلسله‌مراتی یا پایورسالاری، الیگارشسی یا جرگه‌سالاری و بی‌قانونی یا هرج و مرج سالاری. دو سطح حکومت عبارتند از کلی یا فراگیر و محلی یا جزئی. دو گستره عبارتند از درون‌نگر یا امور داخلی و برون‌نگر. و دو گرایش عبارتند از محافظه‌کار^۴ و آزاداندیش^۵ (سیف، ۱۳۸۹).
قانون‌گذار^۶: به ایجاد، اختراع و طراحی تمایل دارند و کارها را با روش خود انجام می‌دهند.

¹ Mental Self-Government

² Function

³ Forms

⁴ Level

⁵ Scope

⁶ Leaning

⁷ Conservative

⁸ Liberal

⁹ Legislative

اجرائی^۱: از دستورات دیگران پیروی می کنند.

قضاوت گر^۲: درباره افراد و کارها قضاوت و ارزیابی می کنند.

تک سالاری^۳: می خواهند در هر زمان به یک کار بپردازند و تقریباً همه انرژی خود را به آن اختصاص دهند.

مرتبه سالاری^۴: ترجیح می دهند در یک زمان، کارهای زیادی انجام بدهند و برای چگونگی انجام دادن کارها و تخصیص انرژی و منابع به آنها اولویت بندی می کنند.

گروه سالاری^۵: تمایل دارند در یک زمان کارهای زیادی انجام دهند، اما در اولویت بندی آنها دچار مشکل می شوند. هرج و مرج سالاری^۶: روش های تصادفی را برای حل مسائل به کار می گیرند؛ بنابر این از نظام ها، قواعد، دستورالعمل ها و بطور کلی هر محدودیتی بیزارند.

کلی نگر^۷: تمایل دارند با کلیات و نیز صور کلی و انتزاعی درگیر باشند. جزئی نگر^۸: تمایل دارند با جزئیات و نمونه های عینی و خاص درگیر باشند. درون نگر^۹: تمایل به کار تنهایی دارند و بر دنیای درونی خویش متمرکز و متکی به خود هستند.

برون نگر^{۱۰}: با دیگران کار می کنند و بر جهان بیرون متمرکز و به دیگران وابسته اند.

آزاد اندیش^{۱۱}: تمایل دارند کارها را با روش های جدید انجام دهند؛ بنابر این با آداب و رسوم مخالف اند و با آنها مبارزه می کنند.

محافظه کار^{۱۲}: کارها را با روش های از پیش تجربه شده و صحیح انجام می دهند و از آداب و رسوم پیروی می کنند.

پردازش اطلاعات در حسابرسی امری ضروری است. حسابرسان باید بر اساس پردازش اطلاعات، قضاوت و تصمیم گیری کنند. هر چه سطح ارزیابی و پردازش اطلاعات بیشتر و با کیفیت تر باشد، تصمیمات و قضاوت حسابرسان نیز کیفیت بیشتری خواهند داشت. در این راستا، تحقیقات

¹ Executive

² Judicial

³ Monarchic

⁴ Hierarchic

⁵ Oligarchic

⁶ Anarchic

⁷ Global

⁸ Local

⁹ Internal

¹⁰ External

¹¹ Liberal

¹² Conservative

رفتاری در حسابرسی بر این نکته تاکید دارند که ویژگی های فردی حسابرسان نظیر سبک تفکر می تواند بر قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان تاثیرگذار باشد (کلایتون و کیم برل، ۲۰۰۷). یکی از مکاتبی که در سالهای اخیر در حوزه روانشناسی و حسابرسی مورد توجه قرار گرفته است و تاثیرات ویژگیهای شخصیتی در روانشناسی را بر حسابرسی مطرح کرده، مکتب تردیدگرایی (شک گرایی) است (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). موضوعاتی که به بحث تردیدگرایی در حسابرسی می پردازد، وارد مقوله ای بین رشته ای شده که هم جنبه ی حسابداری و هم حوزه روانشناسی را مورد کاوش خود قرار می دهند. تردید حرفه ای موضوعی رفتاری است و از دیدگاه تئوری به تبیین آنچه در اصول بنیادی استانداردهای حسابرسی و اطمینان بخشی از آن به عنوان یک اصل زیربنایی یاد می شود پرداخته و آن را از دیدگاه فرهنگ و عوامل انگیزشی که ریشه در جامعه شناسی و روانشناسی دارند ریشه یابی می کند (نیکومرام، حسینی ۱۳۹۴). حسابرسان باید بدانند که چه متغیرهایی بر استفاده آنها از اطلاعات تاثیر دارد و موجبات تردیدگرایی آنها را فراهم میکند تا هنگام انتخاب و پردازش اطلاعات بهترین گزینش را داشته باشند. بین تصمیماتی که افراد در شرایط مختلف اتخاذ میکنند و سبکهای تفکرشان ارتباط وجود دارد (مک قی، ۱۹۷۸). از سوی دیگر با توجه به اینکه تردیدگرایی^۱ جزء لاینفک تفکر پرسشگر و سبک تفکر می باشد و همچنین تفکر پویا تفکری است که درجات دقت در پرسشگری، تردیدگرایی، واقع گرایی، احتمال گرایی و غیره در آن توجه ویژه شده است، شناسایی مشخصه های اصلی تردیدگرایی و تاثیرات آن بر رفتار حسابرسان بیش از پیش به ضرورت توجه به ابعاد شخصیتی حسابرسان پی می بریم. ویژگی های شخصیتی حسابرسان مستقل بر نوع و شیوه کار آنها در کشف انحرافات موثر است و در نهایت این مساله (بر قضاوت حسابرسان موثر است) کیفیت حسابرسی را تحت الشعاع قرار می دهد (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). برای رسیدن به یک قضاوت درست اعمال تردید حرفه ای توسط حسابرسان همواره یکی از اجزا کلیدی هر کار حسابرسی است (حساس یگانه و مداحی، ۱۳۸۸). تحقیقات متعددی نشان داده است که ویژگی های شخصیتی روی کشف و انحراف (و بهبود قضاوت حرفه ای) توسط حسابرسان موثر است (پونمون، ۱۹۹۳). اولین بار سبک به عنوان یک متغیر تفاوت فردی در دهه ها پیش شناخته شد. سبک ها به منظور استفاده از روشهای خاص در پردازش اطلاعات که تحت تاثیر خصوصیات فردی و شخصیتی خاص افراد می باشد مورد شناخت قرار گرفت (آپورت، ۱۹۳۷). مطالعه سبکهای تفکر به منظور بررسی چگونگی ارتقاء عملکرد در سطح بهینه در فضای کاری است. استفاده از یک سبک تفکر خاص در یک شرایط و وضعیت خاص امکان ارتقاء در سطح عملکرد و نتیجه را به همراه خواهد داشت. تلاقی سبک تفکر

^۱ Skepticism

به محیط خاص کاری امکان ارتقاء عملکرد در آن حوزه را افزایش می دهد (سوفو، ۲۰۰۸). تفاوت در سبکهای تفکر به شرایط یادگیری، حل مسائل پیشرو، فرآیند تصمیم گیری، برقراری ارتباط و مشارکت تیمی و کارگروهی تاثیر گذار است (آرمسترانگ و کول، ۲۰۰۹، کول و ون دن بروک، ۲۰۰۷). همچنین با توجه به تحقیقات هارت (۲۰۱۰)، نشان داده شد که ایشان تردید گرایی که به عنوان پایه قضاوت در حسابرسی است را متأثر از خصوصیات فردی می داند و گرایش های فردی را دخیل در استفاده از درجات متفاوت تردید حرفه ای قضاوت و تصمیم گیری مورد نظر قرار می دهد و با شناسایی ۶ جنبه از تردید حرفه ای: ذهن پرسشگر، وقفه در قضاوت، جستجوی دانش، درک میان فردی، اعتماد بنفس و خودرایی بودن، به داشتن ارتباط مثبت بین تفاوت های فردی و تردید حرفه ای، قضاوت و تصمیم گیری و عملکرد حسابرس اشاره دارد (هارت و همکاران، ۲۰۰۸).

ذهن پرسشگر^۱: تردید حرفه ای مستلزم یک پرسش مداوم است، که آیا اطلاعات و شواهد بدست آمده نشان دهنده اظهارات نادرست ناشی از تقلب می باشد؟ (هارت، ۲۰۱۳).
 ذهن پرسشگر یعنی توانایی ذهن در پرسش مستمر صحت مساله در طی عمل حسابرسی. تحقیقات گذشته بیان می دارد که یک ذهن پرسشگر شامل مواردی از قبیل الزام به استدلال، شواهد، برهان و دلیل آوردن یا اثبات کردن می باشد.
 وقفه در قضاوت^۲: حسابرس باید تا زمانی که شواهد کافی را جمع آوری نماید، یک ذهن باز داشته باشد. نباید با شواهدی که کمتر متقاعد کننده است راضی شود. وقفه در قضاوت عبارت است از یک ویژگی که بیانگر آن است که در خصوص یک مورد مشکوک شکل گیری قضاوت ها به کندی صورت می گیرد. زیرا انجام قضاوت نیازمند تامل و جمع آوری اطلاعات اضافی پشتیبان می باشد (هارت، ۲۰۱۳).
 جستجوی دانش^۳: جستجوی دانش نیز همان کنجکاوی است. اینکه حسابرس یک ذهنیت کنجکاوانه همراه با علاقه برای جستجوی شواهد داشته باشد. جستجوی دانش به عنوان ویژگی تردید مبتنی بر کنجکاوی فردی است (هارت، ۲۰۱۳).
 درک میان فردی^۴: حسابرس باید به درک نگرش ها، مقاصد و رفتارهای انسانی اشتیاق داشته باشد (هارت، ۲۰۱۳). درک روابط میان فردی در زمره ی ویژگی های تردید هستند که نیاز به فهم دلایل یا انگیزه هایی دارد که چرا مشتری به چنین روشی رفتار می کند.

¹ Questioning Mind

² Suspension of judgment

³ Search for Knowledge

⁴ Interpersonal Understanding

این اشاره ضمنی دارد به اینکه حسابرس نه تنها در مورد رفتار مشتری سوال می پرسد، بلکه هم زمان انگیزه و درک ناشی از اینکه چرا مشتری به این شکل رفتار کرده است را پرس و جو می کند.

اعتماد به نفس^۱: اعتماد به نفس یعنی اینکه به لحاظ حرفه ای به آن درجه از اطمینان برسیم که بتوانیم ادعا کنیم که قضاوتمان براساس شواهدی است که گردآوری شده است. (موتز و شرف، ۱۹۶۱)، اعتماد به نفس را به عنوان بخشی از ویژگی شکاکیت معرفی کرده اند. اعتماد به نفس یعنی میزانی که حسابرسان معتقد و مطمئن به خودشان هستند.

خودرای بودن^۲: ویژگی خودرایی یعنی حسابرس شجاعانه برای ارزیابی، ارائه و ثبات اظهارنظرهای حسابرسی تصمیم می گیرد. خودرایی یعنی اینکه نتیجه گیری های افراد با در نظر گرفتن کفایت شواهد صورت گرفته است (هارت، ۲۰۱۳).

نلسون (۲۰۰۹)، طی تحقیقی عنوان داشت که حل مسائل (که با سبک تفکر افراد در ارتباط است) جهت تصمیم گیری و قضاوت درست با تردید حرفه ای دارای ارتباط معنی دار بوده. ریکسوم (۲۰۱۰)، به پیچیدگی و دشواری فرآیند حل مسائل اشاره کرده و آن را نیازمند شناخت فردی و تفاوت های فردی دانسته است. به نظر میرسد با توجه به درجه اهمیت بالای تردید حرفه ای، عدم وجود شفافیت در تعریف و نیاز به رهنمودهای بیشتر در این خصوص نیاز مبرم به انجام پژوهش هایی در این حوزه است تا مفهوم تردید حرفه ای را با عمق بیشتری تشریح و ارتباط آن با سبک های تفکر به عنوان جنبه روانشناختی موضوع، موجبات عملکرد بهتر در حرفه حسابرسی را فراهم نماید (هارت و همکاران، ۲۰۰۳). در پژوهش حاضر برای شناسایی مکانیزمی که از طریق آن به بررسی اثر سبک های تفکر بر تردید حرفه ای حسابرسان را مورد سنجش قرار می دهد؛ به مدل سبک های تفکر استرنبرگ اتکا نمودیم. لذا پژوهش حاضر به به دنبال پاسخ به این سوال نیز بود که، سبک های تفکر در بین حسابرسان به چه صورت می باشد و تأثیر سبک های تفکر بر تردید حرفه ای حسابرسان از طریق چه مکانیزمی صورت می پذیرد. با توجه به مطالب مذکور و اهمیت جنبه روانشناسی و رفتاری متغیر سبک های تفکر به عنوان یک عامل مهم تفاوت فردی بین حسابرسان و داشتن رابطه تئوریک آن با تردید حرفه ای به عنوان شالوده اصلی قضاوت و تصمیم گیری در حسابرسی اهمیت تحقیق در این حوزه را مورد توجه قرار می دهد.

¹ Self-Confidence

² Self-Determining

با مطالعه متون حسابداری و حسابرسی مشخص گردید که تا کنون پژوهش جامعی در خصوص سبک های تفکر و تردید حرفه ای صورت نپذیرفته است. همین موضوع می تواند یکی از نوآوری های پژوهش حاضر باشد. همچنین اندک مطالعه صورت پذیرفته هم به بررسی هر عامل بصورت مجزا پرداخته اند که این مطالعات در ادامه اشاره می شوند.

نولدر و کادوس (۲۰۱۸)، با استفاده از پایه قرار دادن تردید حرفه ای به بررسی سیستم ذهن^۱ و تئوری عقیده پرداختند و عنوان داشتند که فقدان تردید حرفه ای به عنوان ریشه مغایرت ها در حسابرسی می باشد و با تحقیق خود به مفهوم سازی در حوزه تردید حرفه ای پرداخته و نشان دادند که عناصر سیستم ذهن منجر به تحلیل انتقادی شواهد و نه افزایش ارزیابی ریسک می شود و از طرف دیگر بر اساس تئوری عقیده^۲ به سنجش اثر تاثیرات اجتماعی بر روی تردید حرفه ای و قضاوت پرداختند و نشان دادند که هر ۲ عوامل مذکور از عوامل تاثیرگذار در جهت بهبود تردید حرفه ای حسابرسان می باشد. نتایج تحقیق فوق در جهت ارتقاء ادبیات در حوزه تردید حرفه ای، تدوین استاندارد و توسعه کیفیت حسابرسی و اجرا و تحلیل ریشه یابی عوامل از نظر محققان این تحقیق ارزیابی گردید.

یوتسلر (۲۰۱۷)، در تحقیق خود با عنوان تردید حرفه ای و خطرات ناشی از مشکلات اخلاقی و رفتاری ناشی از خصوصیات فردی نشان داد که تردید حرفه ای از عناصر اصلی حسابرسی موثر است و با استفاده از تئوری گسیختگی رفتاری^۳ بیان داشت که خلاقیت فردی به سطح و درجه بالای بکارگیری تردید حرفه ای منجر می شود. با این وجود در شرایط قرار گرفتن در فشار ناشی از کمبود زمان، افراد درجات کمتری از تردید حرفه ای را بکار بسته و از طرف دیگر در مواقعی که موسسات حسابرسی به دنبال حداکثر کردن منافع خود از دیدگاه عموم باشند این عامل منجر به رفتار غیر اخلاقی شده که در نهایت کاهش در تردید حرفه ای را به همراه دارد و همچنین اثبات کردند که نتایج این تحقیق با تئوری مذکور در انطباق بوده و بیان داشتند نتایج این تحقیق چارچوب تئوریک مناسب جهت شناخت خطرات بالقوه برای تردید حرفه ای فراهم مینماید.

کورتیس و همکاران (۲۰۱۷)، به بررسی رابطه بین سبکهای تفکر و تصمیم گیری پرداختند و نتایج نشان داد که با توجه به رابطه بین تفاوت های فردی و شناختی افراد با سبک پردازش اطلاعات، تصمیم گیری و قضاوت، ارتباط مستقیمی بین سبکهای تفکر و سبکهای مدیریت و تصمیم گیری وجود دارد و پیشنهاد کردند که توسعه سبکهای تفکر متفاوت میان افراد موجبات ارتقاء قضاوت و تصمیم گیری و مدیریت بهتر را فراهم می نماید.

¹ Mindset

² Attitude Theory

³ Moral Disengagement Theory

سولانژ و همکاران (۲۰۱۸)، به بررسی رابطه بین سبکهای تفکر خلاقانه و انتقادی به منظور حل مسائل و تصمیم گیری و قضاوت پرداختند و از طریق ایجاد ۲ مدل دریافتند که عناصر شناختی هر یک از سبکهای تفکر خلاقانه و انتقادی به طور مستقل از هم عمل کرده و ارتقاء مهارت برای توسعه هر یک از آنها منجر به افزایش توانایی در حل مسائل، تصمیم گیری، تردید حرفه ای، و قضاوت بهتر می باشد.

آیسته و همکاران (۲۰۱۳)، به بررسی رابطه بین سبکهای تفکر دانشجویان حسابداری و تردید حرفه ای در حسابداری در کشور لیتوانی پرداخته و بیان داشتند که سبکهای تفکر عاملی مهم و تاثیر گذار در بکارگیری درجه مناسب تردید حرفه ای (به عنوان زیر بنای قضاوت حرفه ای در حسابداری)، قضاوت، تصمیم گیری و اظهارنظر حسابرس بوده و نشان از تاثیر اهمیت تفاوتهای فردی و سبکهای تفکر متفاوت حسابرسان به کیفیت خروجی حسابداری می باشد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۴)، به تبیین مولفه های تاثیر گذار بر تردید حرفه ای حسابرسان با تکیه بر ابعاد فردی پرداختند و نشان دادند تردید حرفه ای متأثر از سه عامل جستجوی دانش، اعتماد به نفس، و درک میان فردی آنها بوده، و مالکیت موسسه حسابداری، سن پاسخ دهندگان و سابقه حرفه ای آنها نیز بر تردید حرفه ای موثر است.

صالحی و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی سبکهای تفکر و هوش هیجانی و تاثیر آن بر کیفیت تصمیم گیری سرمایه گذاران پرداختند و نتایج تحقیق آنها نشان داد که هوش هیجانی و سبکهای تفکر و کیفیت تصمیم گیری سرمایه گذاران به یکدیگر وابسته نبوده و نتایج این تحقیق را متفاوت از تحقیقات پیشین ارزیابی نمودند.

ولیان و همکاران (۱۳۹۶)، به طراحی مدل تحلیل تفسیری-ساختاری (ISM) عوامل موثر بر تردید حرفه ای حسابرسان پرداختند و نتایج پژوهش آنها نشان می دهد که، اساسی ترین عوامل تردید حرفه ای بر اساس مدل طراحی شده، بی طرفی حسابرس، احاطه به استانداردهای حسابداری، احاطه بر مهارت های حسابداری و احاطه به قوانین و مقررات تجارت بورس است، که این عوامل شاخص های مربوط به استقلال و تخصص حسابرس در نتایج دلفی بودند. همچنین در بالاترین سطح و در واقع کم اثرترین عامل بر تردید حرفه ای حسابرسان، بُعد تشریح اختیار، از شاخص های مسئولیت پذیری به عنوان ویژگی های روانشناختی می باشد.

۳- فرضیه های تحقیق

سبکهای تفکر عاملی مهم و تاثیر گذار در بکارگیری درجه مناسب تردید حرفه ای (به عنوان زیر بنای قضاوت حرفه ای در حسابداری)، قضاوت، تصمیم گیری و اظهارنظر حسابرس بوده و نشان از تاثیر اهمیت تفاوتهای فردی و سبکهای تفکر متفاوت حسابرسان به کیفیت خروجی حسابداری

می باشد آیسته و همکاران (۲۰۱۳). با توجه به تحقیقات پیشین بین تفاوت‌های فردی که برگرفته از سبکهای متفاوت افراد در تفکر می باشد و تردید و رفتار تردید آمیز ارتباط وجود دارد و تردید حرفه ای یک خصوصیت فردی و ناشی از تفاوت‌های فردی است که بر رفتار و عملکرد و کیفیت حسابرسی تاثیر می گذارد (نلسون ۲۰۱۱). فرضیه های اصلی و فرعی تحقیق بر اساس مبانی نظری و هدف تحقیق به شرح زیر تدوین می شود:

- **فرضیه اصلی:** سبکهای تفکر بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- **فرضیه اول:** سبک تفکر (قانون گذار) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- **فرضیه دوم:** سبک تفکر (اجرایی) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- **فرضیه سوم:** سبک تفکر (قضاوت گر) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- **فرضیه چهارم:** سبک تفکر (کلی نگر) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- **فرضیه پنجم:** سبک تفکر (جزئی نگر) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- **فرضیه ششم:** سبک تفکر (درون نگر) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- **فرضیه هفتم:** سبک تفکر (برون نگر) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.
- **فرضیه هشتم:** سبک تفکر (آزاد اندیش) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.

• **فرضیه نهم:** سبک تفکر (محافظه کار) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

از آنجا که برای تحلیل داده ها از روش شناسی مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شده است، و این روش تا حدود زیادی با برخی از جنبه های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، می توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل یابی معادلات ساختاری استفاده نمود. براین اساس تعیین حجم نمونه می تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه گیری شده، تعیین شود (هومن ۱۳۸۷، ۷۲). بنابراین با توجه به اینکه تعداد گویه (سوال) های پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش حاضر ۶۶ مورد بود، حداقل به ۳۳۰ (۵×۶۶) نمونه نیاز بوده که بدین منظور تعداد ۵۰۰ عدد پرسش نامه بین حسابرسان جامعه آماری به صورت تصادفی توزیع گردید که از ۴۷۵ پرسش نامه برگشتی ۴۵۵ مورد آن قابل استفاده بوده و داده های آن ها مورد تحلیل قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش فوق کارکنان حسابرسی شاغل در موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی در سال ۱۳۹۶ می باشد. در این پژوهش متغیر وابسته، "تردید حرفه ای" و متغیر مستقل "سبکهای تفکر" می باشند. برای اندازه گیری سبکهای تفکر از پرسش نامه استرنبرگ (۲۰۰۷)، استفاده شده است. همانطور که در جدول ۱

نیز مشهود است، این پرسش نامه ۹ خرده آزمون را بررسی می نماید. این خرده آزمونها شامل سبک تفکر قانون گذار، سبک تفکر اجرایی، سبک تفکر قضاوت گر، سبک تفکر کلی نگر، سبک تفکر جزئی نگر، سبک تفکر درون نگر، سبک تفکر بیرون نگر، سبک تفکر آزاد اندیش و سبک تفکر محافظه کار است که هر خرده آزمون شامل ۴ سوال است و یک سبک تفکر را اندازه گیری می کند. این پرسش نامه شامل ۳۶ سوال است، پاسخ ها بر اساس طیف لیکرت هفت گزینه ای می باشد که امتیاز ۱ برای کم ترین میزان در یک سبک تفکر و امتیاز ۷ برای بالاترین میزان در یک سبک تفکر می باشد.

جدول ۱: پرسشنامه سبک های تفکر

شماره سوال	گویه	خرده آزمون	سازه
۱	دوست دارم ایده ها و روش های خودم را به کار گیرم تا ببینم مرا تا کجا به پیش می برند.	قانونگذار	سبک های تفکر
۲	مسایلی را دوست دارم که بتوانم برای حل آنها از روش خودم استفاده کنم.		
۳	اگر قرار باشد وظیفه ای را به عهده بگیرم دوست دارم با ایده ها و روش های خودم آن را شروع نمایم.		
۴	وقتی خوشحالترم که بتوانم خود تصمیم بگیرم که چه کاری را و چگونه انجام بدهم.		
۵	دقت می کنم هر مساله را به روش خاص خودش حل کنم.	اجرایی	
۶	من طرح هایی را دوست دارم که ساختاری روشن، برنامه و هدفی معین داشته باشد.		
۷	من وضعیت هایی را دوست دارم که در آنها نقش و روش مشارکت به طور واضح تعریف شده باشد.		
۸	من دوست دارم برآوردی از چگونگی حل یک مساله داشته باشم و یا از قواعد معینی پیروی کنم.		
۹	من مایلم نقطه نظرها یا ایده های مخالف را بررسی و ارزیابی کنم.	قضاوتگر	
۱۰	من طرح هایی را دوست دارم که بتوانم نقطه نظرها و ایده های مختلف آنها را مطالعه و ارزیابی نمایم.		
۱۱	من وضعیت هایی را دوست دارم که بتوانم شیوه های مختلف انجام کارها را مقایسه و ارزیابی کنم.		
۱۲	من از کاری که تحلیل، رتبه بندی و یا مقایسه کارهای دیگر را در بر بگیرد لذت می برم.		
۱۳	در رابطه با کاری که باید انجام بدهم بیشتر مواظب تاثیر کلی آن هستم تا تاثیر جزئی آن.	کلی نگر	
۱۴	در انجام یک وظیفه ای مایلم بدانم انجام هر بخشی از آن چگونه در تصویر کلی جای می گیرد.		
۱۵	مایلم تاکید بیشتری بر جنبه های کلی موضوعات یا تاثیر جامع یک طرح داشته باشم.		
۱۶	مایلم توجه کمتری به موارد جزئی داشته باشم.		

۱۷	مایلم هر مساله ای را به جزئیات کوچکتری تقسیم نمایم تا بتوانم به حل آنها بپردازم.	جزئی نگر	سبک‌های تفکر
۱۸	من به مسایلی علاقمندم که توجه بیشتر به جزئیات آن ضروری باشد.		
۱۹	من به بخش جزئی یک وظیفه توجه بیشتری دارم تا تاثیر یا سودمندی کلی آنها.		
۲۰	در بیان و یا نوشتن موضوعی، فکر می کنم جزئیات و عوامل از اهمیت بیشتری نسبت به تصویر کلی آن برخوردارند.		
۲۱	وقتی سعی می کنم تصمیمی بگیرم، فقط به قضاوت خودم از موقعیت‌ها تکیه می کنم.	درون نگر	
۲۲	من موقعیت های را دوست دارم که بتوانم بدون تکیه بر دیگران به انجام ایده های خود بپردازم.		
۲۳	من طرح هایی را دوست دارم که بتوانم خودم مستقلا از عهده آنها برآیم.		
۲۴	وقتی با مشکلی مواجه می شوم، دوست دارم خودم از عهده رفع آن برآیم.		
۲۵	قبل از شروع به کاری یا انجام وظیفه ای مایلم درباره ایده هایم با دوستان و هم ردیفان خود تبادل نظر نمایم.	برون نگر	
۲۶	من طرح هایی را دوست دارم که بتوانم همراه با دیگران روی آن کار کنم.		
۲۷	من موقعیت هایی را دوست دارم که همه با هم همکاری و تعامل داشته باشند.		
۲۸	هنگام گرفتن تصمیمی تلاش می کنم نقطه نظرهای دیگران را در نظر داشته باشم.		
۲۹	از کارکردن روی طرح هایی که به من اجازه می دهد راههای جدید انجام کارها را امتحان کنم لذت می برم.	آزاد اندیش	
۳۰	موقعیت هایی را دوست دارم که بتوانم شیوه های جدید انجام کارها را امتحان کنم.		
۳۱	من طرح هایی را دوست دارم که به من اجازه می دهند از زاویه دیگری به یک وضعیت نگاه بکنم.		
۳۲	من دوست دارم با روش های جدیدی به حل مسائل قدیمی بپردازم.		
۳۳	من دوست دارم کارها به شیوه هایی که در گذشته معمول بوده، صورت پذیرد.	محافظه کار	
۳۴	وقتی مسئول چیزی هستم دوست دارم از روش هایی که در گذشته معمول بوده استفاده نمایم.		
۳۵	من به قوانین و شیوه های استاندارد انجام کارها مقید هستم.		
۳۶	من موقعیت هایی را دوست دارم که بتوانم از روش های جاری پیروی کنم.		

برای اندازه گیری تردید حرفه ای همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است از ۶ شاخص ذهن پرسشگر، تعلیق قضاوت، جستجوی دانش، درک میان فردی، اعتماد به نفس و خود رای بودن مبتنی بر پرسش نامه ۳۰ سوالی هارت (۲۰۱۳) استفاده شده است که پاسخ ها بر اساس طیف لیکرت شش گزینه ای می باشد که امتیاز ۱ برای کم ترین و امتیاز ۶ برای بالاترین میزان می باشد.

جدول ۲: پرسشنامه تردید حرفه ای

سوال	گویه	اختصار	سازه
۱	معتقدم که یادگیری، یک چیز مهیج است.	۵- حساسیت به یادگیری	تردید حرفه ای
۲	من از یادگیری لذت می برم.		
۳	کشف اطلاعات جدید یک نوع سرگرمی است.		
۴	من تحقیق کردن برای کسب دانش را دوست دارم.		
۵	من اغلب بدون آن که صحت یک گفته را آزمون نکنم، آن را نمی پذیرم.		
۶	از تلاش برای تعیین اینکه بدانم چیزی که می شنوم یا میخوانم دست است یا خیر، لذت می برم.	۶- تفکر در وقت فراغت	
۷	من برای اینکه بتوانم تصمیم گیری کنم زمان کافی صرف میکنم.		
۸	دوست ندارم بدون توجه به تمامی اطلاعات موجود و در دسترس، تصمیمی بگیرم.		
۹	علاقه ای به تصمیم گیری عجولانه ندارم.		
۱۰	دوست دارم مطمئن شوم اکثر اطلاعات موجود را قبل از اتخاذ تصمیم بررسی کرده ام.		
۱۱	قبل از اینکه نتوانم اطلاعات بیشتری درخصوص موضوعی کسب کنم، راجع به آن موضوع تصمیمی نمی گیرم.	۷- خود را با دیگران مقایسه می کند	
۱۲	تمایل دارم که بلافاصله چیزی را که دیگران به من میگویند قبول کنم.		
۱۳	اغلب نظرات دیگران را بدون دانستن استدلال آنها قبول می کنم.		
۱۴	دیگران به راحتی می توانند من را متقاعد کنند.		
۱۵	اغلب اوقات با تفکر افراد دیگر، در گروه خود موافقم.		
۱۶	معمولاً ناهماهنگیهای احتمالی در توضیح مسائل توجه ام را به خود جلب می کند.	۸- رفتار من در حرفه	
۱۷	معمولاً چیزهایی که می بینم، می خوانم یا می شنوم را به همان صورتی که وجود دارند، می پذیرم.		
۱۸	علاقه مندم بدانم مردم اعمالی که از آنها سر میزنند را به چه دلایلی انجام میدهند...		
۱۹	دوست دارم که دلیل رفتار دیگران را بفهمم.		
۲۰	کارهایی که دیگران انجام می دهند و دلایل آن اعمال برای من جذابیت دارد.		
۲۱	توجه به نحوه رفتار دیگران جذابیتی برای من ندارد.	۹- اعتماد به نفس	
۲۲	من به ندرت به این موضوع فکر می کنم که چرا رفتار دیگران از پیش مشخص و قاعده مند است.		
۲۳	من نسبت به خودم بیش از حد اطمینان دارم.		
۲۴	من به توانایی های خود باور دارم.		
۲۵	من نسبت به خودم احساس خوبی دارم.		
۲۶	من نسبت به خودم احساس اطمینان خاطر دارم.	۱۰- ارزشیابی	
۲۷	من نسبت به خودم احساس اطمینان خاطر ندارم.		
۲۸	دوستانم به من می گویند که من معمولاً در خصوص چیزهایی که می بینم یا می شنوم تحقیق می کنم.		
۲۹	من به دفعات در خصوص چیزهایی که می بینم یا می شنوم سؤال می کنم.		
۳۰	نتایج حاصل از یادگیری من را خوشحال می کند.		

این تحقیق با توجه به ماهیت از نوع تحقیقات کاربردی است زیرا هدف آن توسعه دانش آگاهی و زمینه حسابداری رفتاری است. همچنین از نظر روش توصیفی پیمایشی است چارچوب نظری و پیشینه تحقیق نیز از راه مطالعات کتابخانه ای و جمع آوری داده ها و نتیجه نهایی، برای آزمون رد یا پذیرش فرضیه ها از راه استقرایی و از طریق پرسش نامه انجام می شود. چون در این پژوهش، مهم ترین ابزار جمع آوری اطلاعات و اندازه گیری متغیرها، پرسشنامه است روایی پرسشنامه از اهمیت خاصی برخوردار است. طرح پرسش های درست با عباراتی که ابهام آن به حداقل ممکن برسد، شرط اساسی برای روایی پرسشنامه است (طاهری ۱۳۷۴، ص ۲۳۵). در این پژوهش اعتبار محتوا و اعتبار عاملی ابزار گردآوری داده ها مورد بررسی گردیده است. شایان ذکر است که برای اطمینان روایی محتوا، از نظرات ۱۴ تن از استادان و خبرگان حوزه حسابداری و حسابرسی به روش دلفی بهره گرفته شد.

برای آزمون روایی هم گرا با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی باید بارهای عاملی هر متغیر بیشتر از ۰/۴ بوده و معنی دار نیز باشند یعنی ضریب معناداری یا آماره T-Value هر متغیر نیز بزرگتر از ۱/۹۶ و کوچکتر از ۱/۹۶- باشد. از طرفی میانگین واریانس استخراج شده (AVE) نیز باید بیشتر از ۰/۴ باشد (مگنر و همکاران، ۱۹۹۶). هم چنین با تشکیل ماتریس توان دوم همبستگی بین متغیرهای مکنون و AVE آن ها، از روایی تشخیصی نیز اطمینان حاصل نمود. نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول متغیر برای ابعاد متغیر تردید حرفه ای در حالت استاندارد و معنی داری در جدول شماره ۳، نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می شود در خصوص متغیر درک میان فردی (IU)، سوالات IU4، IU5 و در خصوص متغیر اعتماد به نفس (SC)، سوال SC5، بارعاملی کمتر از ۰/۴ داشته و باید از مجموعه سوالات حذف شوند و مجدداً تحلیل عاملی برای ابعاد متغیر تردید حرفه ای صورت پذیرد. در تحلیل عاملی مجدد پس از حذف سنجه های ضعیف هر یک از ابعاد متغیر تردید حرفه ای، به محاسبه AVE نیز برای این ابعاد پرداخته شده که مقدار AVE برای متغیر جستجوی دانش کمتر از ۰/۴ بدست آمده و بدین منظور سنجه ضعیف تر این متغیر نیز حذف گردید (SK5)، تا مقدار AVE آن بهبود یابد. نتایج تحلیل عاملی نهایی در جدول شماره ۵ آمده است. همانطور که در جداول شماره ۵ مشاهده می شود، بعد از آزمون مجدد تحلیل عاملی، بارعاملی مربوط به تمام ابعاد متغیر تردید حرفه ای بیشتر از ۰/۴ بوده که از نظر آماری نیز معنی دار می باشند چون مقدار آماره T-Value همگی بیشتر از ۱/۹۶ می باشد.

جدول ۳: نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول متغیر تردید حرفه ای

نام متغیر	گویه	بارعاملی	آماره T	خطای استاندارد
جستجوی دانش	SK1	۰/۷۵	۱۷/۳۲	۰/۴۴
	SK2	۰/۸۱	۱۹/۲۵	۰/۳۴
	SK3	۰/۵۶	۱۲/۱۰	۰/۶۹
	SK4	۰/۷۱	۱۶/۱۸	۰/۵۰
	SK6	۰/۴۵	۹/۳۹	۰/۸۰
	SJ1	۰/۷۲	۱۶/۸۲	۰/۴۸
وقفه در قضاوت	SJ2	۰/۷۰	۱۶/۱۷	۰/۵۱
	SJ3	۰/۷۰	۱۶/۲۰	۰/۵۱
	SJ4	۰/۷۳	۱۷/۱۳	۰/۴۷
	SJ5	۰/۶۷	۱۵/۲۲	۰/۵۵
	SD1	۰/۷۴	۱۶/۶۹	۰/۴۵
خود رای بودن	SD2	۰/۸۳	۱۹/۱۸	۰/۳۱
	SD3	۰/۶۶	۱۴/۴۱	۰/۵۶
	SD4	۰/۴۴	۹/۰۱	۰/۸۱
	SD5	۰/۴۲	۸/۶۵	۰/۸۲
	IU1	۰/۷۷	۱۷/۸۶	۰/۴۱
درک میان فردی	IU2	۰/۹۱	۲۲/۰۲	۰/۱۷
	IU3	۰/۶۸	۱۵/۳۶	۰/۵۴
	SC1	۰/۷۷	۱۱/۱۷	۰/۷۳
اعتماد به نفس	SC2	۰/۹۱	۱۸/۸۳	۰/۳۹
	SC3	۰/۶۸	۲۲/۱۷	۰/۲۳
	SC4	۰/۵۲	۱۷/۴۹	۰/۴۵
	QM1	۰/۷۸	۱۱/۴۹	۰/۶۸
ذهن پرسش گر	QM2	۰/۸۸	۱۲/۰۱	۰/۶۵
	QM3	۰/۷۴	۱۷/۹۱	۰/۴۲

مقدار AVE نیز برای هر یک از ابعاد متغیر تردید حرفه ای محاسبه گردید که مقدار آن برای همه ابعاد متغیر مذکور بیشتر از ۰/۴ بوده و بیانگر روایی هم گرا این ابعاد می باشد. مقادیر AVE در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. برای آزمون روایی تشخیصی نیز ماتریس توان دوم همبستگی بین ابعاد متغیر تردید حرفه ای با میزان AVE هر بعد مقایسه گردید (جدول ۴). همانطور که مشاهده می شود، AVE هر بعد بیشتر از توان دوم همبستگی بین آن بعد با دیگر ابعاد می باشد و این بیان گر روایی تشخیصی ابعاد متغیر تردید حرفه ای می باشد.

جدول ۴: ماتریس توان دوم همبستگی بین ابعاد متغیر تردید حرفه ای و AVE

ابعاد تردید حرفه ای	جستجوی دانش	وقفه در قضاوت	خود رای بودن	درک میان فردی	اعتقاد به نفس	ذهن پرسشگر
جستجوی دانش	۰/۴۴۸					
وقفه در قضاوت	۰/۲۵۰	۰/۴۹۶				
خود رای بودن	۰/۰۲۶	۰/۰۷۳	۰/۴۰۸			
درک میان فردی	۰/۰۴۸	۰/۰۵۸	۰/۰۳۲	۰/۶۲۸		
اعتقاد به نفس	۰/۱۰۲	۰/۲۶۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۵۵۰	
ذهن پرسشگر	۰/۳۰۳	۰/۳۶۰	۰/۰۳۶	۰/۰۷۸	۰/۲۴۰	۰/۴۱۷

از آنجایی که متغیر تردید حرفه ای دارای ۶ بعد مجزا (جستجوی دانش، وقفه در قضاوت، خود رای بودن، درک میان فردی، اعتماد به نفس، ذهن پرسش گر) می باشد، باید تحلیل عاملی مرتبه دوم را نیز برای این متغیر مورد آزمون قرار داد تا معلوم شود کدام یک از این ابعاد می توانند به گونه مناسبی متغیر تردید حرفه ای را تبیین کنند. همانطور که مشاهده می شود بار عاملی مربوط به ابعاد خود رای بودن (SD) و درک میان فردی (IU) علیرغم معناداری بار عاملی کمتر از ۰/۴ داشته و سنجه ضعیفی برای تبیین متغیر تردید حرفه ای محسوب می شوند. لذا بایستی این دو بعد را حذف نموده و مجدداً تحلیل عاملی مرتبه دوم را برای متغیر تردید حرفه ای آزمون کرد. نتایج مربوط به تحلیل عاملی مجدد مرتبه دوم برای متغیر تردید حرفه ای در جدول ۵ نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می شود بار عاملی تمامی ابعاد باقی مانده متغیر تردید حرفه ای بیشتر از ۰/۴ بوده و از نظر آماری نیز معنی دار می باشد چرا که آماره T-Value همگی بیشتر از ۱/۹۶ می باشند. شایان ذکر است مقدار AVE نیز برای متغیر تردید حرفه ای برابر با ۰/۵۴۷ می باشد که می توان گفت روایی همگرا برای این متغیر وجود دارد. همانطور که در این جدول نشان داده شده است از ۶ بعد متغیر تردید حرفه ای (جستجوی دانش، وقفه در قضاوت، خودرای بودن، درک میان فردی، اعتماد به نفس، ذهن پرسش گر) تنها ۴ بعد آن تبیین کننده متغیر تردید حرفه ای می باشند که در آزمون فرضیه ها مورد استفاده قرار می گیرند. لذا می توان گفت که در این پژوهش عوامل تاثیر گذار بر مشخصه تردید حرفه ای شامل جستجوی دانش، وقفه در قضاوت، اعتماد به نفس، ذهن پرسش گر می باشند.

جدول ۵: نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم تردید حرفه ای

نام مشخصه اثرگذار (بعد)	بار عاملی	آماره T
جستجوی دانش (SK)	۰/۷۵	۹/۵۸
وقفه در قضاوت (SJ)	۰/۷۹	۱۲/۴۵
اعتقاد به نفس (SC)	۰/۶۰	۸/۳۱
ذهن پرسشگر (QM)	۰/۸۰	۹/۸۳

نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول متغیر سبک های تفکر در حالت استاندارد و معنی داری در جدول شماره ۶ نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می شود در خصوص متغیر سبک تفکر محافظه کار، سوال CO3، بارعاملی کمتر از ۰/۴ داشته و سنجه ضعیفی برای متغیر سبک تفکر محافظه کار محسوب می شود و باید حذف گردد. لذا باید مجدداً تحلیل عاملی برای متغیر سبک های تفکر صورت پذیرد. هم چنین خلاصه نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول متغیر سبک های تفکر پس از حذف سنجه ضعیف بعد محافظه کار به طور خلاصه در جدول شماره ۸ نشان داده شده است. نتایج نشان می دهد که سوالات باقیمانده مربوط به هر یک از ابعاد، دارای بارعاملی بزرگتر از ۰/۴ بوده و آماره T-Value همگی بیشتر از ۱/۹۶ می باشند.

جدول ۶: نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول متغیر سبک های تفکر

نام متغیر	گویه	بارعاملی	آماره T	خطای استاندارد
قانون گذار	LE1	۰/۶۸	۱۵/۰۸	۰/۵۴
	LE2	۰/۷۵	۱۶/۸۹	۰/۴۴
	LE3	۰/۸۱	۱۸/۵۵	۰/۳۴
	LE4	۰/۵۴	۱۱/۳۷	۰/۷۱
اجرایی	EX1	۰/۵۶	۱۱/۶۸	۰/۶۹
	EX2	۰/۷۶	۱۶/۸۴	۰/۴۲
	EX3	۰/۷۱	۱۵/۳۵	۰/۵۰
	EX4	۰/۶۸	۱۴/۶۸	۰/۵۴
قضاوت گر	JU1	۰/۶۹	۱۵/۲۷	۰/۵۲
	JU2	۰/۷۸	۱۷/۹۶	۰/۳۹
	JU3	۰/۷۳	۱۶/۵۸	۰/۴۷
	JU4	۰/۶۲	۱۳/۵۵	۰/۶۲
کلی نگر	GL1	۰/۶۲	۱۳/۱۹	۰/۶۲
	GL2	۰/۶۷	۱۴/۴۱	۰/۵۵
	GL3	۰/۸۱	۱۸/۰۰	۰/۳۴
	GL4	۰/۴۹	۹/۸۷	۰/۷۶
جزئی نگر	LO1	۰/۴۶	۹/۴۳	۰/۷۹
	LO2	۰/۷۲	۱۶/۰۲	۰/۴۸
	LO3	۰/۷۴	۱۶/۶۴	۰/۴۵
	LO4	۰/۸۱	۱۸/۵۹	۰/۳۴
درون نگر	IN1	۰/۴۷	۹/۴۶	۰/۷۸
	IN2	۰/۷۳	۱۵/۹۹	۰/۴۷
	IN3	۰/۸۰	۱۷/۹۴	۰/۳۶
	IN4	۰/۶۴	۱۳/۶۶	۰/۵۹

۰/۵۶	۱۴/۵۰	۰/۶۶	ET1	برون نگر
۰/۴۸	۱۶/۰۱	۰/۷۲	ET2	
۰/۴۲	۱۷/۳۶	۰/۷۶	ET3	
۰/۵۸	۱۴/۲۱	۰/۶۵	ET4	
۰/۴۲	۱۷/۸۴	۰/۷۶	LI1	آزاد اندیش
۰/۳۹	۱۸/۲۴	۰/۷۸	LI2	
۰/۳۸	۱۸/۶۸	۰/۷۹	LI3	
۰/۶۵	۱۲/۸۸	۰/۵۹	LI4	
۰/۴۵	۱۴/۸۶	۰/۷۴	CO1	محافظه کار
۰/۲۴	۱۶/۳۳	۰/۸۷	CO2	
۰/۸۳	۸/۲۵	۰/۴۱	CO3	

مقادیر AVE ابعاد متغیر سبک های تفکر در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. برای آزمون روایی تشخیصی نیز ماتریس توان دوم همبستگی بین ابعاد متغیر با میزان AVE هر بعد مقایسه گردید (جدول شماره ۷). همانطور که مشاهده می شود، AVE هر بعد بیشتر از توان دوم همبستگی بین آن بعد با بعد دیگر می باشد و این بیان گر روایی تشخیصی ابعاد متغیر سبک های تفکر می باشد.

جدول ۷: ماتریس توان دوم همبستگی بین ابعاد متغیر سبک های تفکر و AVE

متغیر	قانونگذار اجرایی	قضاوتگر کلی	نگر جزئی	نگر درون	نگر برون	آزاد اندیش	محافظه کار
قانون گذار	۰/۴۹۳						
اجرایی	۰/۰۰۰	۰/۴۶۴					
قضاوت گر	۰/۰۴۸	۰/۱۲۳	۰/۵۰۰				
کلی نگر	۰/۰۴۰	۰/۰۴۸	۰/۲۰۳	۰/۴۳۲			
جزئی نگر	۰/۰۱۴	۰/۰۲۶	۰/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۴۸۳		
درون نگر	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰	۰/۰۲۶	۰/۱۰۹	۰/۴۵۱		
برون نگر	۰/۰۰۰	۰/۱۳۰	۰/۱۹۴	۰/۰۸۴	۰/۴۸۹		
آزاداندیش	۰/۰۹۶	۰/۰۰۰	۰/۱۶۸	۰/۱۳۰	۰/۰۹۶	۰/۵۴۰	
محافظه کار	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۸۴	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۴۹۱

از آن جایی که متغیر سبک های تفکر دارای ۹ بعد مجزا (قانون گذار، اجرایی، قضاوت گر، کلی نگر، جزئی نگر، درون نگر، برون نگر، آزاد اندیش، محافظه کار) می باشد، باید تحلیل عاملی مرتبه دوم را نیز برای این متغیر مورد آزمون قرار داد تا معلوم شود کدام یک از این ابعاد می توانند به گونه مناسبی متغیر سبک های تفکر را تبیین کنند. همانطور که مشاهده می شود، بارعاملی ابعاد قانون گذار (LE)، جزئی نگر (LO)، درون نگر (IN) و محافظه کار (CO) کمتر از ۰/۴ بوده و سنجه مناسبی برای تبیین متغیر سبک های تفکر محسوب نمی شوند. لذا باید از مجموعه ابعاد

حذف شوند و مجدداً تحلیل عاملی برای متغیر سبک های تفکر صورت پذیرد. در تحلیل عاملی مجدد پس از حذف ابعاد ضعیف متغیر سبک های تفکر، به محاسبه AVE نیز برای این متغیر پرداخته شده که مقدار AVE کمتر از ۰/۴ بدست آمده و بدین منظور بعد ضعیف تر این متغیر یعنی بعد اجرایی (EX) نیز حذف گردید، تا مقدار AVE آن بهبود یابد. خلاصه نتایج تحلیل عاملی نهایی در جدول شماره ۸ آمده است. شایان ذکر است مقدار AVE نیز برای متغیر سبک های تفکر برابر با ۰/۴۱۷ می باشد که بزرگتر از ۰/۴ می باشد و می توان گفت روایی همگرا برای این متغیر وجود دارد. همان طور که در این جدول نشان داده شده است، ابعاد باقیمانده تبیین کننده متغیر سبک های تفکر هستند. زیرا که بار عاملی همه بیشتر از ۰/۴ بوده و از نظر آماری نیز معنی دار هستند چرا که مقدار آماره T-Value هر یک بیشتر از ۱/۹۶ است. لذا می توان گفت در این پژوهش سبک های قضاوت گر، کلی نگر، برون نگر و آزاد اندیش، تبیین کننده مشخصه سبک های تفکر هستند.

جدول ۸: نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم سبک های تفکر

نام مشخصه اثرگذار (بعد)	بار عاملی استاندارد شده	آماره T
قضاوت گر (JU)	۰/۷۹	۱۰/۵۳
کلی نگر (GL)	۰/۶۱	۸/۴۰
برون نگر (ET)	۰/۵۷	۸/۳۵
آزاد اندیش (LI)	۰/۵۹	۹/۱۴

در این پژوهش برای آزمون پایایی متغیرهای پژوهش از روش پایایی سازه و آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. روش آلفای کرونباخ برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کند به کار می رود. ضریب آلفای کرونباخ، بین ۰ و ۱ است که در واقع همان ضریب همبستگی داده ها در زمانهای مختلف می باشد؛ عدد ۱، حداکثر همبستگی و عدد ۰، حداقل همبستگی را نشان می دهد (حافظ نیا ۱۳۷۷، ۱۳۲). برای آزمون پایایی متغیرهای پژوهش نیز با استفاده از روش پایایی ترکیبی (CR) باید مقدار به دست آمده طبق یک قاعده سرانگشتی بیشتر از ۰/۷ باشد تا از پایایی متغیرهای پژوهش نیز اطمینان حاصل نمود. هر چند در این خصوص نیز برخی از پژوهش گران مقدار CR بیش تر از ۰/۶ را نیز قابل قبول می دانند (موس و همکاران ۱۹۹۸). مقدار پایایی ترکیبی (CR) و آلفای کرونباخ، برای سؤالاتی محاسبه گردید که سنجه مناسبی برای تبیین هر متغیر به حساب می آمدند. همان طور که در جدول شماره ۹ نشان داده شده است مقدار پایایی ترکیبی (CR) و آلفای کرونباخ به دست آمده برای متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۷ و در خصوص ذهن پرسش گر نزدیک به ۰/۷ می باشند و بدین ترتیب می توان از پایایی متغیرهای پژوهش نیز تا حد زیادی اطمینان حاصل نمود.

جدول ۹: نتایج آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	ابعاد	تعداد سوالات	پایایی ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ
تردید حرفه ای	جستجوی دانش	۵	۰/۷۹۶	۰/۷۷۷
	وقفه در قضاوت	۵	۰/۸۳۱	۰/۸۳۲
	خود رای بودن	۵	۰/۷۶۳	۰/۷۶۲
	درک میان فردی	۳	۰/۸۳۳	۰/۸۲۵
	اعتماد به نفس	۴	۰/۸۲۶	۰/۸۱۴
	ذهن پرسشگر	۳	۰/۶۷۸	۰/۶۵۳
سبک های تفکر	قانون گذار	۴	۰/۷۹۲	۰/۷۸۳
	اجرایی	۴	۰/۷۷۴	۰/۷۷۲
	قضاوت گر	۴	۰/۷۹۹	۰/۷۹۲
	کلی نگر	۴	۰/۷۴۷	۰/۷۲۹
	جزئی نگر	۴	۰/۷۸۳	۰/۷۶۶
	درون نگر	۴	۰/۷۶۰	۰/۷۳۸
	برون نگر	۴	۰/۷۹۲	۰/۷۹۱
	آزاد اندیش	۴	۰/۸۲۲	۰/۸۱۴
	محافظه کار	۳	۰/۷۲۸	۰/۶۹۴

در این پژوهش، برای تحلیل داده های بدست آمده از نمونه ها هم از روشهای آمار توصیفی و هم از روشهای آمار استنباطی استفاده شده است. برای بررسی مشخصات پاسخ دهندگان از آمار توصیفی استفاده گردیده است. برای تحلیل داده ها و آزمون فرضیات پژوهش نیز، مدل معادلات ساختاری به کار گرفته شده است.

۵- یافته های پژوهش

در این بخش پس از جمع آوری و تلخیص داده ها با استفاده از نرم افزارهای Lisrel 8.8 و Spss 22 از طریق شاخص های توصیفی و آمار استنباطی به تجزیه تحلیل داده ها می پردازیم. در بخش نخست، داده های جمع آوری شده با استفاده از شاخص های آمار توصیفی، توصیف و سپس با استفاده از نرم افزار لیزرل و به منظور ایجاد مدل اندازه گیری برازنده و قابل قبول، تحلیل عامل تاییدی در مورد کلیه عوامل نهفته متغیرها انجام می گیرد. در ادامه نیز از طریق معادلات ساختاری، روابط علی بین فرضیه های تحقیق مورد آزمون قرار می گیرند و در نهایت

برزاش مدل مفهومی پژوهش بررسی می گردد. آماره های توصیفی از جمله میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر برای تمام متغیرها محاسبه شده است. نتایج نشان می دهد که ۴۷ درصد از مشارکت کنندگان در این تحقیق حسابرسان زن و ۵۳ درصد نیز مرد هستند. حدود ۱۷ درصد از حسابرسان شاغل در بخش دولتی یعنی سازمان حسابداری و بقیه نیز در بخش خصوصی حسابداری شاغل هستند. میانگین سنی حسابرسان ۳۳ سال است. حدود ۳۵ درصد از مشارکت کنندگان در سطح حسابرس، ۲۹ درصد حسابرس ارشد، ۲۱ درصد سرپرست حسابداری و ۱۵ درصد نیز در سطح مدیر و شریک حسابداری فعالیت داشته اند.

جدول ۱۰: آمار توصیفی

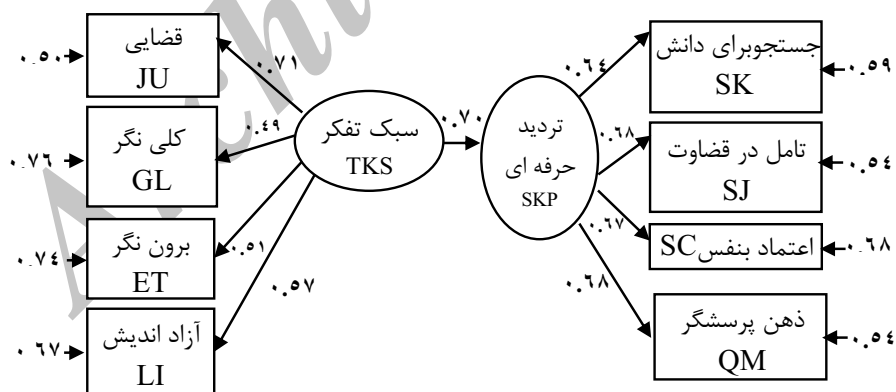
شرح	N	حداکثر	حداقل	میانه	انحراف معیار	واریانس	چولگی		کشیدگی	
							خطای آماره	خطای استاندارد	خطای آماره	خطای استاندارد
قانون گذار	۴۵۵	۱/۰۰	۷/۰۰	۵/۳۴۵۱	۰/۹۶۱۲۰	۰/۹۲۴	-۰/۸۱۲	۰/۱۱۴	۱/۵۲۱	۰/۲۲۸
اجرایی	۴۵۵	۱/۵۰	۷/۰۰	۵/۵۴۸۹	۱/۰۰۳۰۰	۱/۰۰۶	-۰/۸۸۴	۰/۱۱۴	۰/۸۸۷	۰/۲۲۸
قضاوت گر	۴۵۵	۲/۰۰	۷/۰۰	۵/۴۶۱۵	۰/۹۴۸۵۱	۰/۹۰۰	-۰/۶۵۹	۰/۱۱۴	۰/۵۷۴	۰/۲۲۸
کلی نگر	۴۵۵	۱/۷۵	۷/۰۰	۵/۲۶۷۶	۰/۹۹۶۴۰	۰/۹۹۳	-۰/۵۱۳	۰/۱۱۴	-۰/۱۰۰	۰/۲۲۸
جزئی نگر	۴۵۵	۱/۰۰	۷/۰۰	۴/۵۶۱۵	۱/۰۷۰۸۹	۱/۱۴۷	-۰/۱۴۶	۰/۱۱۴	۰/۲۶۹	۰/۲۲۸
درون نگر	۴۵۵	۱/۰۰	۷/۰۰	۴/۹۷۱۴	۱/۰۰۰۸۳	۱/۰۰۲	-۰/۶۷۰	۰/۱۱۴	۱/۲۰۰	۰/۲۲۸
بیرون نگر	۴۵۵	۱/۰۰	۷/۰۰	۵/۳۴۵۱	۰/۹۵۰۵۴	۰/۹۰۴	-۰/۳۸۵	۰/۱۱۴	۰/۷۷۸	۰/۲۲۸
آزاد اندیش	۴۵۵	۱/۰۰	۷/۰۰	۵/۷۱۷۶	۰/۹۸۶۶۵	۰/۹۷۳	-۱/۰۲۱	۰/۱۱۴	۱/۸۷۴	۰/۲۲۸
محافظة کار	۴۵۵	۱/۰۰	۷/۰۰	۴/۷۳۷۴	۰/۹۷۵۷۴	۰/۹۵۲	-۰/۳۰۵	۰/۱۱۴	۰/۶۶۴	۰/۲۲۸
جستجوی دانش	۴۵۵	۲/۶۷	۶/۰۰	۵/۰۴۲۹	۰/۷۶۷۴۸	۰/۵۸۹	-۰/۸۲۲	۰/۱۱۴	۰/۱۵۳	۰/۲۲۸
وقفه در قضاوت	۴۵۵	۱/۶۰	۶/۰۰	۴/۷۱۵۶	۰/۹۶۰۱۳	۰/۹۲۲	-۰/۹۳۷	۰/۱۱۴	۰/۷۷۹	۰/۲۲۸
خودرای بودن	۴۵۵	۱/۴۰	۶/۰۰	۴/۴۶۴۴	۰/۹۸۳۵۹	۰/۹۶۷	-۰/۵۱۳	۰/۱۱۴	-۰/۰۸۸	۰/۲۲۸
درک میان فردی	۴۵۵	۱/۰۰	۶/۰۰	۳/۹۴۳۷	۰/۹۸۵۷۱	۰/۹۷۲	-۰/۳۳۹	۰/۱۱۴	۰/۳۶۶	۰/۲۲۸
اعتماد به نفس	۴۵۵	۱/۲۰	۶/۰۰	۴/۶۲۷۳	۰/۸۸۹۰۷	۰/۷۹۰	-۰/۸۵۴	۰/۱۱۴	۰/۸۰۰	۰/۲۲۸
ذهن پرسشگر	۴۵۵	۱/۰۰	۶/۰۰	۴/۵۹۲۷	۰/۹۰۸۷۸	۰/۸۲۶	-۰/۸۶۰	۰/۱۱۴	۱/۰۶۲	۰/۲۲۸
سبک های تفکر	۴۵۵	۳/۱۱	۶/۷۲	۵/۲۱۷۳	۰/۵۰۴۴۷	۰/۲۵۴	-۰/۰۸۹	۰/۱۱۴	۰/۸۵۸	۰/۲۲۸
تردیدحرفه ای	۴۵۵	۲/۷۲	۵/۶۶	۴/۵۶۱۷	۰/۵۲۹۲۵	۰/۲۸۰	-۰/۴۰۲	۰/۱۱۴	۰/۲۳۹	۰/۲۲۸
تعداد نمونه	۴۵۵									

آزمون فرضیه های تحقیق :

در آزمون فرضیه های پژوهش، ضرایب مسیر بیان گر میزان تاثیر بر متغیر تردید حرفه ای و آماره T-Value مربوط به آن ضریب مسیر، بیان گر معنی داری آن است؛ به گونه ای که ضریب مسیر در صورتی معنی دار است که آماره T-Value مربوط به آن ضریب مسیر، بزرگتر از ۱/۹۶ و یا کوچکتر از -۱/۹۶ باشد. توضیح اینکه در حالت استاندارد ضرایب مسیر نشان دهنده میزان تاثیر است و در حالت معنی داری، میزان یا معیاری است که به عنوان پایه معنی داری شناخته می شود و نشاندهنده معنی دار بودن آن است، که به طور خلاصه در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

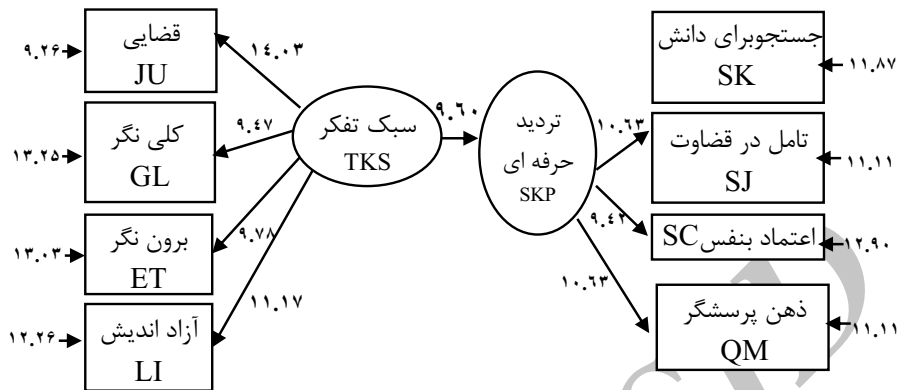
برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق که بیان می دارد: "سبکهای تفکر بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد"، با استفاده از معادلات ساختاری، تاثیر متغیر سبک های تفکر بر تردید حرفه ای سنجیده شده است. نتایج حاصل آزمون این فرضیه در حالت استاندارد و معنی داری در نمودار ۱ و نمودار ۲ نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می شود سبک های تفکر در مجموع تاثیر مثبت (۰/۷۰) بر متغیر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک های تفکر، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۷۰ واحد و هم جهت با سبک های تفکر تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری نیز معنادار می باشد چرا که آماره T-Value طبق نمودار ۲ برابر با (۹/۶۰) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می باشد. بنابراین فرضیه اصلی یعنی تاثیر متغیر سبک های تفکر بر تردید حرفه ای را نمی توان رد کرد.

نمودار ۱- نتیجه آزمون فرضیه اصلی پژوهش در حالت استاندارد



Chi-square=50.15, df=19, p-value=0.00012, RMSEA=0.60

نمودار ۲- نتیجه آزمون فرضیه اصلی پژوهش در حالت معنی داری



Chi-square=50.15, df=19, p-value=0.00012, RMSEA=0.60

آزمون فرضیه فرعی اول تحقیق که بیان می دارد "سبک تفکر (قانون گذار) بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر مثبت و معناداری دارد" نشان می دهد سبک تفکر قانون گذار تاثیر منفی (۰/۱۵) بر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر قانون گذار، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۱۵ واحد و در خلاف جهت با سبک تفکر قانون گذار تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری نیز معنادار می باشد چرا که آماره T-Value برابر با (۲/۲۶) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶- کمتر می باشد. بنابراین فرضیه فرعی اول که مبین تاثیر متغیر سبک تفکر قانون گذار بر تردید حرفه ای است، در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می شود. سبک تفکر قانونگذار بر تردید حرفه ای تاثیر معنی دار و منفی دارد یعنی هرچه سبک تفکر قانونگذار افزایش یابد، تردید حرفه ای حسابرس کاهش می یابد. از آنجایی که افراد دارای سبک قانونگذار تمایل دارند تا کارها را خود طراحی و به روش خود راساً انجام دهند این موضوع باعث می شود تا تردید حرفه ای کاهش یابد. زیرا حسابرسان به جای تمرکز بر تردید حرفه ای و قواعد از پیش تعیین شده، متمایل به ایجاد و بکارگیری روشهای برگرفته از خلاقیت خود جهت رسیدگی هستند.

سبک تفکر اجرایی تاثیر مثبت (۰/۱۳) بر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر اجرایی، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۱۳ واحد و هم جهت با سبک تفکر اجرایی تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری معنادار می باشد. زیرا آماره T-Value برابر با (۲/۱۵) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می باشد. بنابراین فرضیه فرعی دوم که مبین تاثیر متغیر سبک تفکر اجرایی بر تردید حرفه ای است، در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می شود. سبک تفکر اجرایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بر تردید حرفه ای تاثیر معنی داری

دارد یعنی هر چه سطح تفکر اجرایی افزایش یابد، تردید حرفه ای حسابرسان نیز افزایش می یابد. این موضوع به این معناست که حسابرسان با سبک تفکر اجرایی که به معنی پیروی از دستورات مقامات بالاتر هست تردید حرفه ای بیشتری دارند. یعنی دستورات و نظارت سرپرستان و مدیران حسابرسی می تواند سطح تردید حرفه ای حسابرسان را بهبود بخشد.

سبک تفکر قضایی تاثیر مثبت (۰/۲۸) بر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر قضایی، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۲۸ واحد و هم جهت با سبک تفکر قضایی تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری معنادار می باشد چرا که آماره T -Value برابر با (۳/۵۳) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می باشد. بنابراین فرضیه فرعی سوم که مبین تاثیر متغیر سبک تفکر قضایی بر تردید حرفه ای است در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تایید می شود. در فرضیه فرعی سوم نشان داده شد که سبک تفکر قضایی بر تردید حرفه ای تاثیر معنی داری دارد. سبک تفکر قضاوتگر بدین معنی است که حسابرسان درباره افراد و کارها قضاوت و ارزیابی می نماید. در این تحقیق نشان داده شد که قضاوت و ارزیابی حسابرسان درباره افراد و کارها بر تردید حرفه ای او اثر گذار است. یعنی هر چه سطح قضاوت افزایش یابد، تردید حرفه ای نیز افزایش می یابد.

سبک تفکر کلی نگر تاثیر (۰/۰۰) بر تردید حرفه ای ندارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر کلی نگر، متغیر تردید حرفه ای تغییری نمی کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری معنادار نمی باشد چرا که آماره T -Value برابر با (۰/۰۴) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶ کمتر می باشد. بنابراین فرضیه فرعی چهارم که مبین تاثیر متغیر سبک تفکر کلی نگر بر تردید حرفه ای است، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

سبک تفکر جزئی نگر تاثیر منفی (۰/۱۴-) بر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر جزئی نگر، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۱۴ واحد و در خلاف جهت با سبک تفکر جزئی نگر تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری معنادار نمی باشد چرا که آماره T -Value برابر با (۱/۸۰-) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶- بیشتر می باشد. بنابراین فرضیه فرعی پنجم که مبین تاثیر متغیر سبک تفکر جزئی نگر بر تردید حرفه ای است، در سطح اطمینان کمتر از ۹۵ درصد رد می شود.

سبک تفکر محافظه کار تاثیر منفی (۰/۰۸-) بر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر محافظه کار، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۰۸ واحد و در خلاف جهت با سبک تفکر محافظه کار تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری معنادار نمی باشد چرا که آماره T -Value برابر با (۱/۳۹-) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶- بیشتر

می باشد. بنابراین فرضیه تاثیر متغیر سبک تفکر محافظه کار بر تردید حرفه ای (فرضیه فرعی نهم) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

با توجه به آزمون ضرایب مسیر و آماره T-Value و جدول ۳، آزمون فرضیه های تحقیق بیانگر آن است که ۳ سبک تفکر کلی نگر، جزئی نگر و محافظه کار با تردید حرفه ای رابطه معنی داری ندارند و بر آن تاثیرگذار نیستند. این موضوع به این معناست که افراد با تمایلات کلی نگر و جزئی نگر و همچنین پیرو آداب و رسوم و سنت گرا تردید حرفه ای بیشتری در مقایسه با سایر افراد ندارند. سبک تفکر درون نگر تاثیر مثبت (۰/۲۱) بر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر درون نگر، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۲۱ واحد و هم جهت با سبک تفکر درون نگر تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری معنادار می باشد چرا که آماره T-Value برابر با (۲/۶۰) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می باشد. بنابراین فرضیه فرعی ششم که مبین تاثیر متغیر سبک تفکر درون نگر بر تردید حرفه ای است در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می شود. سبک تفکر درون نگر با تردید حرفه ای طبق آزمون فرضیه ها رابطه معنی دار و مثبت دارد این موضوع به این معناست که افراد که تمایل به انجام کارها به صورت انفرادی دارند و بخود متکی هستند، تردید حرفه ای بالایی دارند. زیرا اینگونه افراد بر کار بر اساس تمایلات درونی خود متمرکز می شوند. این تمرکز می تواند تردید حرفه ای و در نتیجه کیفیت حسابداری را بهبود بخشد.

سبک تفکر برون نگر تاثیر مثبت (۰/۱۷) بر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر برون نگر، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۱۷ واحد و هم جهت با سبک تفکر برون نگر تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری معنادار می باشد چرا که آماره T-Value برابر با (۲/۰۵) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می باشد. بنابراین فرضیه فرعی هفتم که مبین تاثیر متغیر سبک تفکر برون نگر بر تردید حرفه ای است در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می شود. آزمون فرضیه بیانگر آن است که سبک تفکر برون نگر بر تردید حرفه ای تاثیر معنی دار و مثبتی دارد. یعنی هرچه تفکر برون نگر حسابداری بیشتر باشد تردید حرفه ای او نیز بیشتر است. تفکر برون نگر یعنی اینکه حسابداری می تواند با دیگران کار کند و بر دنیای بیرون متمرکز شود. هر چه همکاری میان حسابداری و تمرکز او بر محیط پیرامون خود افزایش یابد، تردید حرفه ای نیز افزایش می یابد.

سبک تفکر آزاد اندیش تاثیر مثبت (۰/۲۹) بر تردید حرفه ای دارد. به عبارتی با هر واحد تغییر در سبک تفکر آزاد اندیش، متغیر تردید حرفه ای به میزان ۰/۲۹ واحد و هم جهت با سبک تفکر آزاد اندیش تغییر می کند. شایان ذکر است که این تاثیر از نظر آماری معنادار می باشد چرا که آماره T-Value برابر با (۴/۰۳) می باشد که این میزان از مقدار ۱/۹۶ بیشتر می باشد. بنابراین

فرضیه فرعی هشتم که مبین تاثیر متغیر سبک تفکر آزاد اندیش بر تردید حرفه ای است در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می شود. سبک تفکر آزاد اندیش طبق آزمون فرضیه با تردید حرفه ای رابطه ای معنی دار و مثبت دارد. افراد با سبک تفکر آزاد اندیش مخالف روشهای قدیمی هستند و روشهای جدید را در انجام امور به کار می گیرند. رابطه مثبت میان سبک تفکر آزاد اندیش و تردید حرفه ای به این معناست که هرچه حسابرسان روشهای جدیدی را در فرآیند حسابرسی بکار گیرند تردید حرفه ای و در نتیجه کیفیت حسابرسی بهبود می یابد.

جدول ۱۱: نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه	ضریب مسیر	آماره T	نتیجه آزمون
تأثیر سبک تفکر قانون گذار بر تردید حرفه ای	-۰/۱۵	-۲/۲۶	تایید می شود
تأثیر سبک تفکر اجرایی بر تردید حرفه ای	۰/۱۳	۲/۱۵	تایید می شود
تأثیر سبک تفکر قضایی بر تردید حرفه ای	۰/۲۸	۳/۵۳	تایید می شود
تأثیر سبک تفکر کلی نگر بر تردید حرفه ای	۰/۰۰	۰/۰۴	رد می شود
تأثیر سبک تفکر جزئی نگر بر تردید حرفه ای	-۰/۱۴	-۱/۸۰	رد می شود
تأثیر سبک تفکر درون نگر بر تردید حرفه ای	۰/۲۱	۲/۶۰	تایید می شود
تأثیر سبک تفکر برون نگر بر تردید حرفه ای	۰/۱۷	۲/۰۵	تایید می شود
تأثیر سبک تفکر آزاد اندیش بر تردید حرفه ای	۰/۲۹	۴/۰۳	تایید می شود
تأثیر سبک تفکر محافظه کار بر تردید حرفه ای	-۰/۰۸	-۱/۳۹	رد می شود

پس از آزمون فرضیه های پژوهش باید اطمینان نمود که مدل معادلات ساختاری از برازش لازم برخوردار است. مجموعه وسیعی از معیارها و شاخص های برازندگی وجود دارند که می توانند برای اندازه گیری کل الگو مورد استفاده قرار گیرند. یک محقق باید از معیارهای مختلفی برای قضاوت در مورد برازش مدل استفاده کند، زیرا شاخص واحدی وجود ندارد که به طور قطعی برای آزمون مدل، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد (کلانتری ۱۳۸۸). بر این اساس در جدول شماره ۳ به چند شاخص مهم سنجش برازش الگوی مفهومی در خصوص هر یک از مدل های معادلات ساختاری پیش گفته، که در این پژوهش مورد اندازه گیری قرار گرفته است، اشاره می شود.

جدول ۱۲: جدول نتایج برازش الگوی مفهومی پژوهش

وضعیت برازش	مقادیر توصیه شده	مقادیر محاسبه شده شاخص ها آزمون فرضیه اصلی	مقادیر محاسبه شده شاخص ها آزمون فرضیه های فرعی	شاخص های برازش الگوی مفهومی
—	—	۵۰/۱۵	۱۵۸۶/۴۲	Chi Square
—	—	۱۹	۶۵۷	Df
قابل قبول	$\chi^2 \text{ Chi Square/Df} \leq$	۲/۶۳۹	۲/۴۱۵	Chi Square/Df
قابل قبول	$\text{RMSEA} \leq 0.08$	۰/۰۶۰	۰/۰۵۶	RMSEA
قابل قبول	$\text{CFI} \geq 0.90$	۰/۹۶	۰/۹۳	CFI
قابل قبول	$\text{IFI} \geq 0.90$	۰/۹۷	۰/۹۳	IFI
قابل قبول	$\text{NNFI} \geq 0.90$	۰/۹۶	۰/۹۲	NNFI
قابل قبول	$\text{RMR} \leq 0.05$	۰/۰۳۴	۰/۱۱	RMR

۶- نتیجه گیری و بحث

تفکر فرآیندی است که از طریق آن یک بازنمایی ذهنی جدید به وسیله تبدیل اطلاعات و تعامل بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسئله ایجاد می‌گردد (رضوی، ۱۳۸۴). پردازش اطلاعات در حسابرسی امری ضروری است. حسابرسان باید بر اساس پردازش اطلاعات، قضاوت و تصمیم گیری کنند. هر چه سطح ارزیابی و پردازش اطلاعات بیشتر و با کیفیت تر باشد، تصمیمات و قضاوت حسابرسان نیز کیفیت بیشتری خواهند داشت. در این راستا، تحقیقات رفتاری در حسابرسی بر این نکته تاکید دارند که ویژگی های فردی حسابرسان نظیر سبکهای تفکر می تواند بر قضاوت و تصمیم گیری حسابرسان تاثیرگذار باشد (کلایتون و کیم برل، ۲۰۰۷). یکی از مکاتبی که در سالهای اخیر در حوزه روانشناسی و حسابرسی مورد توجه قرار گرفته است و تاثیرات ویژگیهای شخصیتی در روانشناسی را بر حسابرسی مطرح کرده، مکتب تردیدگرایی (شک گرایی) است (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱).

موضوعاتی که به بحث تردیدگرایی در حسابرسی می پردازد، وارد مقوله ای بین رشته ای شده که هم جنبه ی حسابداری و هم حوزه روانشناسی را مورد کاوش خود قرار می دهند. تردید حرفه ای موضوعی رفتاری است و از دیدگاه تئوری به تبیین آنچه در اصول بنیادی استانداردهای حسابرسی و اطمینان بخشی از آن به عنوان یک اصل زیربنایی یاد می شود پرداخته و آن را از دیدگاه فرهنگ و عوامل انگیزشی که ریشه در جامعه شناسی و روانشناسی دارند ریشه یابی می

کند (نیکومرام، حسینی ۱۳۹۴). در این مقاله سبکهای تفکر و تردید حرفه ای در حسابرسان با توجه به آزمون نظریه خود حکومتی ذهن استرنبرگ و مدل تردید حرفه ای هارت مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج نشان داد که سبک تفکر قانونگذار بر تردید حرفه ای تاثیر معنی دار و منفی و همچنین سبکهای تفکر اجرایی، قضاوتگر، درون نگر، برون نگر و آزاد اندیش با تردید حرفه ای رابطه معنی دار و مثبت دارد. همچنین ۳ سبک تفکر کلی نگر، جزئی نگر و محافظه کار با تردید حرفه ای رابطه معنی داری ندارند و بر آن تاثیرگذار نیستند. تفسیر نتایج این پژوهش بیانگر آن است که: با توجه به ضرایب مسیر در آزمون فرضیه های پژوهش ضریب سبک تفکر آزاد اندیش و سبک تفکر قضایی بیشتر از سایر سبکهای تفکر دیگر است. بعد از آنها سبک تفکر درون نگر بیشترین ضریب را داراست. این موضوع به این معناست که ۳ سبک تفکر آزاد اندیش، قضایی و درون نگر بیشترین تاثیر را بر تردید حرفه ای حسابرس دارند. این موضوع نشان می دهد که تردید حرفه ای حسابرس بیشتر تحت تاثیر استفاده از روشهای جدید در حسابرسی (تفکر آزاد اندیش)، استفاده از قضاوت و ارزیابی در انجام امور (تفکر قضایی) و تمرکز بر خویشتن و دنیای پیرامون خود و تمایل به انجام کارها به صورت فردی (تفکر درون) می باشد. این نتایج با واقعیتهای موجود در متون حسابرسی که برای تردید حرفه ای بیان شده است مطابقت دارد. این موارد با مبانی نظری تئوری خودحکومتی ذهنی درباره سبکهای تفکر مطابقت دارد. طبق این تئوری سبکهای تفکر می تواند بر تردید حرفه ای حسابرسان تاثیر گذار باشد و قضاوت و تصمیم گیری را تحت الشعاع قرار دهد (استرنبرگ ۱۹۸۹). نتایج این تحقیق منطبق با تحقیق انجام شده توسط آبیسته و همکاران (۲۰۱۳)، می باشد. آنها به این نتیجه رسیدند که سبکهای تفکر عاملی مهم و تاثیر گذار در بکارگیری درجه مناسب تردید حرفه ای (به عنوان زیر بنای قضاوت حرفه ای در حسابرسی)، قضاوت، تصمیم گیری و اظهارنظر حسابرس بوده و نشان از تاثیر اهمیت تفاوتهای فردی و سبکهای تفکر متفاوت حسابرسان به کیفیت خروجی حسابرسی می باشد.

همچنین بر اساس آزمون فرضیه نشان داده شد که سبک تفکر آزاد اندیش با تردید حرفه ای رابطه مثبت و معنی دار دارد. در دنیای امروز، موفقیت در هر حرفه ای مستلزم برخورداری از مهارت های تخصصی و دانشگاهی است. این مهارت ها، توانایی افراد را در مواجهه با شرایط و مسایل پیچیده و حل آن ها، افزایش می دهد. حرفه حسابرسی نیز جدا از این موضوع نیست. دست اندرکاران آموزش حسابداری، بر این نکته تاکید دارند که دانشجویان و فراگیران حسابداری و حسابرسی باید در یادگیری و کسب تجربه در این حرفه، سطوح مختلف تفکر خود را بهبود بخشند. این مهم از طریق آموزش، امکان پذیر است. نتایج این مقاله نشان می دهد سطوح مختلف تفکر می تواند بر تردید حرفه ای به عنوان یکی از مولفه های قضاوت و تصمیم گیری در

حسابرسی، اثر گذار باشد. یافته های تحقیق حاضر از این جهت مهم است که قضاوت و تصمیم گیری در حرفه حسابرسی را متأثر از سبک یادگیری و تفکر می شناسد. این موضوع می تواند اطلاعات سودمندی در اختیار سیاست گذاران در حوزه آموزش حسابداری و حسابرسی، و هم چنین حرفه حسابرسی قرار دهد. سیاست گذاران در دو حوزه آموزش و حرفه، می توانند با آموزش سبک های تفکر مورد نیاز در حسابرسی، عملکرد حسابرسان در قضاوت و تصمیم گیری را ارتقاء دهند. نتایج این مقاله نشان می دهد عملکرد حسابرسان در قضاوت و تصمیم گیری می تواند تحت تاثیر سبکهای تفکر قرار گیرد. این موضوع مطابق با نظریه خودحکومتی ذهن می باشد. بنابراین نتایج این تحقیق مفاهیم این نظریه را وارد متون تحقیقات رفتاری در حسابرسی می نماید و موجب بسط و گسترش آن می شود. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که قضاوت و تصمیم گیری افراد در کار و زندگی، به چگونگی تفکر افراد وابسته است. افراد در پردازش اطلاعات، سبک های متفاوت تفکر خود را دارند و توانایی افراد در پردازش اطلاعات، قضاوت و تصمیم گیری ناشی از تفاوت در سبک های تفکر و نیز وابسته به آن است. هم چنین نتایج نشان می دهد که شیوه های تفکر، به عنوان توانایی و ویژگی های فردی در میان حسابرسان متفاوت است. شواهد این پژوهش بیانگر آن است که نحوه اندیشیدن افراد در این حرفه متفاوت از یکدیگر است و این خود می تواند تردید حرفه ای را تحت تاثیر قرار دهد.

برای انجام پژوهش های آتی، پیشنهادات زیر ارائه می شود: ۱- ارتباط میان سبکهای تفکر و قضاوت و تصمیم گیری درباره ریسک حسابرسی. ۲- رابطه میان سبکهای تفکر و قضاوت و تصمیم گیری اخلاقی. از جمله محدودیت های اصلی این پژوهش آن است که تعمیم نتایج آن به نمونه های دیگر، باید با احتیاط انجام پذیرد.

فهرست منابع

- اسدی، مرتضی و نعمتی، محمد. (۱۳۹۳)، قضاوت حرفه ای در حسابرسی، فصلنامه حسابداری رسمی، شماره ۲۷، صص ۳۹-۵۵.
- امامی پور، سوزان و سیف، علی اکبر. (۱۳۸۲)، بررسی تحولی سبک های تفکر در دانش آموزان و رابطه آن ها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی، فصلنامه نوآوری های آموزشی، تهران، سال سوم، شماره ۳، صص ۳۵-۵۶.
- بستانیان، جواد. (۱۳۸۶). قضاوت حرفه ای در حسابرسی، فصلنامه حسابداری، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۲۵-۵۷.

- حاجیها، زهره؛ گودرزی، احمد؛ فتاحی، زهرا. (۱۳۹۲)، ارتباط ویژگی های تردید حرفه ای حسابرسان و قضاوت و تصمیم گیری آنها، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، شماره نوزدهم، صص ۴۳-۵۹.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۷۷). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (نوبت ۱۲). تهران: انتشارات سمت.
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۵). چالشهای قضاوت حرفهای در حسابرسی، حسابدار رسمی، شماره دهم و یازدهم، صص ۲۹-۴۰.
- حسینی، سیدحسین؛ نیکومرام، هاشم؛ رضایی، علی اکبر. (۱۳۹۴)، تبیین مولفه های تأثیرگذار بر تردید حرفه ای حسابرسان با تکیه بر ابعاد فردی، حسابداری مدیریت، شماره ۲۵، صص ۱۳-۲۸.
- خسروی، علی اکبر. (۱۳۸۱). سبکهای تفکر (چاپ دوم). تهران: نشر و پژوهش دادار.
- دلاور، علی. (۱۳۷۶). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی (نوبت ۴۱). تهران: انتشارات ویرایش.
- رامین مهر، حمید و چارستاد، پروانه. (۱۳۹۲)، روش تحقیق کمی با کاربرد معادلات ساختاری (نرم افزار لیزرل)، نوبت دوم، تهران: ترمه.
- رضوی، علی و شیرینی. (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی رابطه بین سبکهای تفکر دختران و پسران دبیرستانی با پیشرفت تحصیلی آنان، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۸۶-۱۰۸.
- زهرابی، مهدی. (۱۳۹۳)، تاثیر تردید حرفه ای بر کیفیت حسابرسی، مجله حسابرس، شماره ۷۰، صص ۱۰۶-۱۰۰.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۷). روانشناسی پرورش نوین (نوبت ۷). تهران: نشر دوران.
- سلگی، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سبک های تفکر و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، اولین همایش ملی یافته های علوم شناختی در تعلیم و تربیت.
- فلاح خیراندیش لیالستانی، محمد رضا و قلیزاده، محمد حسن. (۱۳۹۴)، رابطه تردید حرفه ای با نگرش شغلی و تمایل به ترک خدمت حسابرسان، اولین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و نوآوری در حسابداری.
- نریمانی، محمد؛ محمد امینی، زرار؛ برهمند، اوشا؛ ابوالقاسمی، عباس. (۱۳۸۶)، ارتباط سرسختی روانشناختی، سبک های تفکر و مهارت های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، پژوهش های نوین روانشناختی، شماره ۵، صص ۹۳-۱۰۷.

ولی اله، فرزاد؛ شکری، امید؛ کدیور، پروین؛ دانشپور، زهره. (۱۳۸۵)، رابطه سبک های تفکر و رویکردهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، تازه های علوم شناختی، شماره ۲، صص ۴۴-۵۲.

ولیان، حسن؛ عبدلی، محمدرضا؛ کریمی، شبنم. (۱۳۹۶)، طراحی مدل تحلیلی تفسیری- ساختاری (ISM) عوامل موثر بر ترید حرفه ای حسابرسان، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، جلد ۲، شماره ۴، صص ۲۱۵-۲۴۶.

یمینی، محمد؛ کدیور، پروین؛ ولی اله، فرزاد؛ مرادی، علیرضا. (۱۳۸۷)، رابطه بین ادراک از محیط یادگیری، ساخت گرای اجتماعی، سبکهای تفکر با رویکرد عمیق به یادگیری و بازده ها با پیامدهای یادگیری، فصل نامه علمی پژوهش روان شناسی، شماره ۱۲، صص ۱۳۹-۱۷۱.

یعقوب نژاد، احمد؛ رویایی، رضاعلی؛ آذین فر، کاوه. (۱۳۹۱)، ارتباط بین شاخص های مکتب تردیدگرایی و کیفیت حسابرسی، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره چهاردهم، صص ۳۵-۲۵.

Allpor.(1937).definition of Personality.“Personality is the dynamic organization within the individual of those psychophysical systems that determine his unique adjustments to the environment. international journal of conflict management 9(4): 336-355.

Auditing: A Journal of Practice & Theory American Accounting Association, November(2009). 28(2): 1-34.

Armstrong, S., and Cools, S. (2009). Cognitive Styles and Their Relevance for Business and Management. In L.F.Zhang & R.J.Sternberg (Eds.), Perspective on The nature of intellectual Styles (pp. 253-290). New York: Springer.

Ajzen, .I.(2005). Attitudes, Personality and Behavior, edited by T. Manstead. 2nd ed. New York: Open University Press.

American Institute of Certified Public Accountants(AICPA).(1988). Auditing accounting estimates No. 57. New York, NY: AICPA. 1997. Due care in the performance of work. Statement on auditing standards No. 1. New York, NY: AICPA.

Asare, S. K., and Davidson, R. A. (1995), Expectation of errors in unaudited book values: the effect of control procedures and financial condition, Auditing: A Journal of Practice & Theory, 14(1), 1-28.

Bamber, E. M., and Iyer, V. M.(2002). Big 5 auditors' professional and organizational.

Bell, T. B., F. Marrs, I. Solomon, and H. Thomas. (1997). Auditing Organizations Through a Strategic Systems Lens. New York, NY: KPMG LLP.

- Berzonsky. (2003). Interrelationships among identity process, content, and structure, *Journal of Adolescent Research*, 18, 112-130.
- Beyer, B. K. (1995). *Critical Thinking* Bloomington, IN: Phi Delta Kappa Educational Foundation. 179-186.
- Cano-García and Elaine Hewitt HughesL. (2010). learning and Thinking Styles: An analysis of their interrelationship and influence on academic achievement, 12(4): 413-430.
- Chung, JOY, Cohen, JR and Monroe, GS. (2008). 'The effect of moods on auditors' inventory valuation decisions', *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 27(2): 109-36.
- Clayton, P., and Kimbrell, J. (2007). Thinking preferences as diagnostic and learning tools for managerial styles and predictors of auditor success", *Managerial Finance*, 33(12): 921 – 934.
- Curtis,j., and et al. 2017. Reexamining the Relationship Between Thinking Styles and Transformational Leadership: What Is the Contribution of Imagination and Emotionality?, *Journal of Leadership Studies*: 11(2): 8–21.
- Daily,d., Phillips. (2006). A Study of Kruglanski Need for Closure Construct and Its Implications for Judgment and Decision Making in Accounting and Auditing: 8(3): 18-38.
- Emby and Davidson. (1998). The effect of engagement factors on auditor independence. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*: 7(2): 26-44.
- Ennis, R. H.(1993). *Critical Thinking Assessment*. Theory Into Practice, 32(3), 179-186.
- Eutsler,J.,2017. Examining Moral Disengagement as a Threat to Professional Skepticism, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2972187>.
- Farag, M. S., and R. Z. Elias. (2012). The impact of accounting students professional skepticism on their ethical perception of earnings management, *Research on Professional Responsibility and Ethics in Accounting*: 16(3): 185–200.
- Hayes, J., and Allinson, C. (1994). Cognitive Style and its Relevance for Management Practice. *British Journal of Management*: 5(1):53-71.
- Hurt et al. (2008). An Experimental Examination Of Professional Skepticism ,Hankamer School of Business:12(7):1-38.
- Hurt, R. K. (2010). Development of a scale to measure professional skepticism. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*: 29(1): 149-171.
- Kaufman, J. C. (2001). Thinking styles in creative writers and journalists (Doctoral dissertation, Taiwan University). *Dissertation Abstracts International*: 62(3): 16-38.

- Koch, CW, Weber, M and J. Wustemann,. (2008). 'Can auditors be independent? - experimental evidence on the effects of client pressure, auditor experience and professional skepticism', Working Paper, University of Mannheim, Mannheim.
- LePine, J., Hollenbeck, J., Ilgen, D., & Hedlund, J. (1997). Effects of individual differences on the performance of hierarchical decision-making teams: Much more than g. *Journal of Applied Psychology*, 82(5), 803-811.
- Mgbame, C.O. Gender Factor in Audit Quality: Evidence from Nigeria, *Research Journal of Finance and Accounting*: 3(4):34-61.
- McCrae, R., and P. T., Costa Jr. (1990). *Personality in Adulthood*. New York: Guilford.1996. *Toward a New Generation of Personality Theories: Theoretical Contexts for the five-factor Model*. In J.S. Wiggins (Ed.), *The Five-Factor Model of Personality: Theoretical Perspectives*: 22(4): 51-87.
- Mautz, P.K. and H.A. Sharaf. (1961). *The philosophy of auditing*. American Auditing Association, Saratosa.:25(3):36-65.
- McGinn, M. (1989). *Sense and Certainty: A Dissolution of Scepticism*. New York, NY: Basil Blackwell, Inc: 12(4): 22-43.
- Nelson, M. (2010). *A Model and Literature Review of Professional Skepticism in Auditing*, Johnson School Research Paper Series: 15(3): 97-111.
- Nolder, C., J. (2012). "The Role of Professional Skepticism, Attitudes and Emotions on Auditor's Judgments", Doctoral dissertation, Bentley University *Organizational Behavior*: 7(3): 263-267.
- Nolder, c., and k. kadous.(2018). *Grounding the Professional Skepticism Construct in Mindset and Attitude Theory: A Way Forward*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2524573>.
- Ponemon L.A.(1993). the influence of ethical reasoning on auditors perception of managements competence and integrity, *advance in accounting*: 11(2): 1-29.
- Payne, E. A., and Ramsay, R. J.(2005). *Fraud risk assessments and auditors' professional skepticism*, *Managerial Auditing Journal*: 20(3): 321-30.
- Rixom, B.A., D. Plumlee and A.J. Rosman. (2012). *Training auditors to think skeptically*. Paper presented at the Auditing Mid-year Meeting, Savannah, GA: 7(3): 12-32.
- Salahi, M, Mohamadi, N, (2017), *The relationship between emotional intelligence, thinking style, and the quality of investors' decisions using the log-linear method*, *Qualitative Research in Financial Markets*: 9(4):325-336.

- Sofo, F. (2008). Differences of degree or differences in kind? A comparative analysis of thinking styles. *The International Journal of Interdisciplinary Social Sciences*, 3(1), 293-301.
- Sternberg, R. (1997). *Thinking Styles*. Cambridge: Cambridge University Press: 52(7): 700-712.
- Sternberg, R. J. (2002). Mental self Government: A Theory of Intellectual styles and their development, *human development*, 31(21):197 – 224.
- Shani N. Robinson. (2011). B.B.A., M.B.A. AN EXPERIMENTAL EXAMINATION OF THE EFFECTS OF GOAL FRAMING AND TIME PRESSURE ON AUDITORS' PROFESSIONAL SKEPTICISM. Dissertation prepared for the degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY.
- Steyer, R., M. Schmitt, and M. Eid. (1999). Latent state trait theory and research in personality and individual differences. *European Journal of Personality*: 13(5): 389-408.
- Vengopal, K. and Mridula K. (2007). Styles of Learning and Thinking, *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*: 33(1): 111-118.
- Yang, S., and Lin, W. (2004). The Relationship Among Creative, Critical Thinking and Thinking Styles in Taiwan High School Students. *Journal of Instructional Psychology*, 31(1), 33-45.
- Zhang ,l. (2014). Revisiting the predictive power of thinking styles for Academic performance . *The Journal of psychology Interdisciplinary and Applied*: 138(4): 351-370.

Archived

Archive of SID